

بیانیه کمیته مرکزی کومه له به مناسبت پیروزی اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور در کردستان

روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ دومین سالروز آغاز جنبش انقلابی ژینا نیز به تاریخ پر افتخار جنبش انقلابی کردستان پیوست. مردم آزادیخواه و مبارز بیشتر شهرهای کردستان در اقدامی سیاسی، هماهنگ و پرشکوه، فضای بشدت امنیتی حاکم بر شهرها را به عقب راندند و با اعتصاب عمومی پاسخ کوبنده ای به سرکوبگری های رژیم جمهوری اسلامی و دولت پزشکیان دادند. اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور بار دیگر عزم راسخ مردم آزادیخواه کردستان برای تداوم جنبش انقلابی ژینا تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و پایان دادن به هر گونه تبعیض و نابرابری را نشان داد.

مردم کردستان با گرامیداشت سالروز جنبش انقلابی و سراسری ژینا و یاد جانباختگان این جنبش، نشان دادند که رمز پیروزی جنبش انقلابی کردستان و تحقق خواسته های آزادیخواهانه و برابری طلبانه خود را، نه در ائتلاف و همکاری با سلطنت طلبان و اپوزیسیون بورژوازی عظمت طلب ایرانی، نه در همکاری با اصلاح طلبان حکومتی، نه در بند و بست و مذاکره با جمهوری اسلامی، نه در امید بستن به دخالت قدرتهای خارجی، بلکه در همبستگی با جنبش انقلابی سراسری و در همبستگی با جنبش های پیشرو اجتماعی در سراسر ایران می دانند. اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ در واقع نماد گرامیداشت اتحاد و همبستگی جنبش انقلابی کردستان با جنبش سراسری در ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ بار دیگر نشان داد که سیاست جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی در همدمستی با دولت مرکزی عراق و همکاری حکومت اقلیم کردستان برای خلع سلاح نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق و انتقال اجباری آنها به کمپ های پناهندگی، هیچ خللی در اراده و مبارزه جویی مردم کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایجاد نخواهد کرد. رژیم جمهوری اسلامی از همان آغاز جنبش انقلابی زن، زندگی، آزادی تلاش کرد با منتسب کردن اعتراضات مردم کردستان به دخالت نیروهای اپوزیسیون در خارج از مرزها، میان مبارزات مردم کردستان و جنبش سراسری تفرقه ایجاد کند و زمینه را برای سرکوب خونین اعتراضات مردم در کردستان فراهم آورد. جوانان انقلابی، زنان آزاده، مردم



متن سخنرانی صلاح مازوجی به مناسبت ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ چهل و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران

بیانیه کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران جهان به کجا می رود، خطرات و فرصت ها

اطلاعیه پایانی پلنوم هفتم کمیته مرکزی کومه له

مردم فلسطین و لبنان قربانی جنگ افروزی دو قطب تروریستی

سیاست فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی در قبال پناهندگان افغانستانی

تحمیل حجاب اجباری به زنان، ابزار رژیم اسلامی سرمایه داران برای مطیع کردن نیمی از جامعه!

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در مورد مرگ دلخراش کارگران معدن زغال سنگ معدنجوی طبس

حمایت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست از فراخوان اعتصاب

عمومی در ۲۵ شهریور در دومین سالروز جنبش انقلابی شهریور ۱۴۰۱

متن سخنرانی صلاح مازوجی به مناسبت ۱۱ شهریور ۱۴۰۳ چهل و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران کلن - آلمان

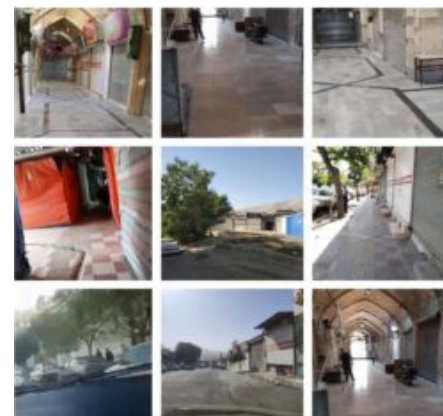
را فراهم آورد که مارکسیسم انقلابی قواره سیاسی و تشکیلاتی پیدا کند. در واقع حزب کمونیست ایران حاصل تلاش انقلابیون کمونیستی است که نه تنها در صفوف کومه‌له و اتحاد مبارزان کمونیست که مارکسیسم انقلابی را در مواضع رسمی خویش نمایندگی می‌کردند، بلکه در همانحال حاصل تلاش کمونیست‌هایی است که در درون سازمان‌های پیکار، رزمندگان، وحدت انقلابی، رزم انقلابی برای بیرون کشیدن مارکسیسم از زیر بار تحریفات خرده بورژوازی مبارزه کردند.

اگر چه ما در آن دوره با شور و شوق فراوان تأسیس حزب کمونیست ایران را جشن گرفتیم، چون در دل سرکوب خونینی که جمهوری اسلامی به راه انداخته بود، امید به تغییر را زنده نگاه می‌داشت، اما از این حقیقت غافل نبودیم که حزب در شرایط بسیار دشوار و نامساعد داخلی و بین‌المللی تشکیل شده بود. حزب کمونیست در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ۵۷ ایران در زیر ضربات ضد انقلاب سرمایه داری اسلامی بسیاری از سنگرهای مقاومت خود را از دست داده بود. شوراهای کارگری در هم کوبیده شده بودند. دانشجویان در دانشگاه سرکوب شدند. جنبش ترکمن صحرا به خون کشیده شده بود. کارگران در بندر انزلی و در اصفهان به رگبار بسته شدند. کردستان انقلابی مورد تهاجم قرار گرفته و تمام شهرها کردستان به اشغال نیروهای سرکوبگر در آمده بودند. شکست و عقب نشینی انقلاب شرایط بسیار سختی را به عرصه‌های مختلف فعالیت حزب هم در سطح سراسری و هم در کردستان تحمیل کرد. یعنی حزب کمونیست ایران در شرایط عقب نشینی و شکست انقلاب ایران تشکیل شد. اما مسئله فقط عقب نشینی و شکست انقلاب در ایران نبود، بلکه در سطح بین‌المللی هم جنبش کارگری و سوسیالیستی در موقعیتی دفاعی و بشدت نامساعد به سر می‌برد.

در واقع ما نسلی از کمونیست‌ها بودیم و هستیم که نه تنها آوار شکست انقلاب ۵۷ بلکه سنگینی آوار شکست انقلاب اکتبر در روسیه سال ۱۹۱۷ و همه انقلاب‌ها و جنبش‌های انقلابی در قرن بیستم را نیز بر دوش می‌کشیم. شکست انقلاب اکتبر و پیگیری اهداف و آرمانهای بورژوازی عظیمت طلب روسی و استقرار یک سیستم سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم، نه تنها سبک کار و سنت‌های فعالیت کمونیستی را زیر آوار خود مدفون کرد، بلکه جریان سوسیالیستی در سطح جهان را نیز چند شاخه کرد. گذشته از پیامدهای مخرب

با عرض سلام، قبل از هر چیز به مهمانان گرامی، رفقا و دوستانی که در این مراسم حضور یافته‌اند خوش آمد می‌گویم و از رفقایی که این مراسم را تدارک دیده‌اند تشکر می‌کنم. همانطور که می‌دانید ۱۱ شهریور امسال مصادف است با چهل و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به این مناسبت از طرف رفقای کمیته مرکزی حزب به همه اعضا و صفوف حزب کمونیست ایران و کومه‌له و دوستداران حزب در هر کجا که هستند، به ویژه رفقا در داخل ایران تبریک می‌گویم و تلاش و فعالیت‌هایشان در راه تحقق اهداف و برنامه حزب را ارج می‌گذاریم. در این روز بار دیگر یاد همه رفقایی را که در سنگرهای مختلف مبارزه چه در زندان و در زیر شکنجه و اعدام و چه در سنگرهای مقاومت و مبارزه مسلحانه در کردستان در صفوف نیروی پیشمرگ کومه‌له در راه تحقق اهداف و آرمانهای حزب کمونیست ایران، در راه رهایی کارگران و انسان‌های ستمدیده‌جان باختند را گرامی می‌داریم و از استقامت و پایداری خانواده‌های این عزیزان قدردانی می‌کنیم.

۴۱ سال پیش حزب کمونیست ایران در ادامه مبارزات پیگیرانه مارکسیسم انقلابی بر علیه افکار خرده بورژوازی و خلق‌گرایی که جنبش چپ ایران را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود، تشکیل شد. مارکسیسم انقلابی در ظرف چند سال بعد از قیام بهمن سال ۱۳۵۷، سوسیالیسم خرده‌بورژوازی، پوپولیسم مدعی مارکسیسم را در عرصه‌های مختلف نظری، سیاسی و سبک کاری آن مورد نقد قرار داد و بار دیگر پرچم کمونیسم کارگران را برافراشت. در آن زمان زنده کردن تئوری مارکسیسم، روش‌ها، سبک کار و سنت‌های فعالیت کمونیستی و تحزب‌یابی کارگران که زیر آوار شکست انقلاب اکتبر روسیه مدفون شده بودند کار بسیار دشواری بود چون روش‌ها و سنت‌های فعالیت کمونیستی و کارگری لنین و بلشویک‌ها که طبقه کارگر را در موقعیت رهبری انقلاب اکتبر قرار داد در هیئت هیچ سازمان و حزبی جریان و پیوستگی پیدا نکرد تا فعالیت نسل ما مبارزین کمونیست بر متن این تجارب و سنت‌ها قرار گیرد و تداوم یابد. با اینحال حضور عینی طبقه کارگر ایران در صحنه انقلاب ۵۷، زمینه مادی شکل‌گیری و رشد مارکسیسم انقلابی در ایران را فراهم آورد. طبقه کارگر با حضور فعال خود در عرصه مبارزه انقلابی شرایط مساعد برای تبدیل این تئوری به یک نیروی مادی اجتماعی و تقویت سیاسی و تشکیلاتی سازمان‌های پیش‌تاز آن را فراهم کرده بود. حضور طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ آن زمینه مادی



آزادیخواه کردستان با جانفشانی این توطئه تفرقه افکنانه رژیم جمهوری اسلامی را نیز با شکست روبرو کردند. اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور در همان حال پاسخی داندان شکن به این سیاست تفرقه اندازانه حکومت اسلامی بود و نشان داد که جنبش انقلابی کردستان عمیقاً ریشه در واقعیات مادی این جامعه دارد.

اعتصاب عمومی ۲۵ شهریور، و عزم و اراده و شور و شوق زنان و مردان جوان انقلابی شهرهای کردستان برای سازماندهی پیروزمند این اعتصاب نشان داد که فقط با باور به نیروی توده‌ها، با تکیه بر نیروی آنان می‌توان فضای امنیتی حاکم بر شهرها را به عقب راند و در دل فضای پلیسی و میلیتاریزه کردن شهرها و تداوم بگیر و بندها، امید به پیروزی را زنده نگاه داشت و نیروی اتحاد و همبستگی را در میان مردم تقویت کرد. بدون شک دشمن هم این پیروزی را در محاسبات خود خواهد گنجانید.

مردم مبارز و آزادیخواه کردستان با اعتصاب عمومی شکوهمند خود در ۲۵ شهریور نشان دادند که نه تنها مرعوب استراتژی تشدید سرکوب، بگیر و بندهای هر روزه فعالین جنبش‌های اجتماعی و موج اعدام‌ها نمی‌شوند، بلکه برای تحقق اهداف جنبش انقلابی ژینا، آزادی زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام، پایان دادن به تبعیض بر اساس جنسیت، ملیت و مذهب و برپایی جامعه‌ای آزاد و برابر از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد.

کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران این پیروزی شکوهمند را به مردم مبارز کردستان و سراسر ایران صمیمانه تبریک می‌گوید و دست‌های فعالین و سازماندهندگان آن در محل را به گرمی می‌فشارد.

گرامی باد یاد جانباختگان جنبش انقلابی ژینا
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کمیته مرکزی کومه‌له - سازمان کردستان حزب
کمونیست ایران
۲۵ شهریور ۱۴۰۳
۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴



انحطاط سوسیالیسم بورژوایی در روسیه، سرنوشتی که جنبش انقلابی و سوسیالیستی در اسپانیا و ایتالیا پیدا کردند، سرنوشت انقلاب چین، بن بست سوسیال دمکراسی و جریان پارلماناریستی کمونیسم اروپایی، همه این شکست ها و انحطاط این جریان های فکری و اجتماعی بدبینی کارگران نسبت به کمونیست ها را افزایش داد. چون همه اینها به نام سوسیالیسم خود را به جامعه معرفی می کردند و برنامه های خود را پیش می بردند.

بن بست سرمایه داری دولتی در روسیه که تبلیغات رسانه های سرمایه داری آن را سوسیالیسم معرفی می کردند، یا فروپاشی دولت های اروپای شرقی که به عنوان بلکوک سوسیالیستی شناخته می شدند اگر چه به لحاظ تاریخی پیشرفت عظیمی برای جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر و ما کمونیست ها به حساب می آمد، اما به لحاظ عینی و عملی و در دنیای واقع شرایط فعالیت کمونیستی را چند برابر دشوارتر کرد. مستقیماً فعالیت کمونیستی را تحت فشار قرار دادند. این روند اجتناب ناپذیر بود چون بن بست شاخه های مختلف کمونیسم بورژوایی نه در برابر تعرض و پیشروی سوسیالیسم کارگری، بلکه در برابر جناح راست بورژوایی بین المللی انجام گرفت. این نه جنبش کمونیستی و انقلابی طبقه کارگر، بلکه جناح راست بورژوایی بود که شاخه های مختلف سوسیالیسم بورژوایی را شکست داد.

در آن زمان بمباران تبلیغاتی دنیای سرمایه داری بر علیه کمونیسم پس از این شکست ها و عدم وجود جریان های پرنفوذ کمونیستی و انقلابی و منسجم به لحاظ سیاسی و نظری برای مقابله با این تهاجم تبلیغاتی نیز به عامل مهمی در گسترش یأس و نومیدی در میان کارگران و حتی بسیاری از جریاناتی که تحت نام کمونیست فعالیت می کردند، تبدیل گردید. ببینید زمانی که انقلاب ها شکست می خوردند، فعالان انقلاب قربانی می شوند و تلاش هایشان برای متحد کردن طبقه کارگر به پراکندگی صفوف خودشان منتهی می شود، در همچون شرایطی ایده ها و باورهای انقلابی و کمونیستی بازتاب اندکی در بین کارگران پیدا می کنند. کارگرانی که این همه شکست و پراکندگی را تجربه کرده اند گاه از نفس افتاده، خسته و سرخورده شده و گاه برای دورانی به ایده های غیر سوسیالیستی میل پیدا می کنند. بی جهت نبود در آلمان بخش وسیعی از کارگران تحت تأثیر فاشیسم قرار می گیرند، در اروپا به دامن رفرمیسم بورژوایی می غلطند، در ایران تحت تأثیر تبلیغات جریان اسلامی سیاسی قرار می گیرند. اما این دوران هر چند گاه طولانی هم باشند اما گذرا هستند و باید از این دوران عبور کرد.

حزب کمونیست ایران از این قاعده مستثنا نبوده و تحت تأثیر این تحولات، پیامدهای شکست انقلاب



در ایران و شکست های جنبش کارگری و کمونیستی در سطح جهان قرار گرفته است. دوران شکست انقلاب ها و دوران عقب نشینی به ویژه اگر عقب نشینی منظم نباشد، دوره از هم گسیختگی و جدایی ها است، دوران عقب نشینی روحیات و فرهنگ سیاسی خودش را پرورده می کند، ظرفیت تحمل یکدیگر را بشدت محدود می کند. ما بر متن این روند ۳۴ سال پیش جدایی رفقای کمونیسم کارگری را از سرگذرانیم، انشعابی که نالازم و غیر ضروری بود، به زیان جنبش کارگری و کمونیستی ایران تمام شد و در کردستان موقعیت کومه له و جریان سوسیالیستی را در برابر ناسیونالیسم تضعیف کرد. یک دهه بعد انشعاب جریان سازمان زحمتکشان را از سر گذرانیم که انشعابی اجتناب ناپذیر بود، چون این جریان مسیر انحطاط سیاسی و ایدئولوژیک را در پیش گرفته بود، از تمام بنیادهای فکری و سنت های پیشرو و انقلابی کومه له و حزب کمونیست ایران فاصله گرفته بود، این جریان سرانجام با ائتلاف سیاسی با جریان فاشیست سلطنت طلب به پایان مسیری که به لحاظ فکری و سیاسی انتخاب کرده بود رسید. انشعاب حدوداً سه سال پیش هم به نوعی اجتناب ناپذیر بود، چون جناح راست درون حزب کمونیست و کومه له بیش از این نمی خواست با جناح چپ و کمونیستی حزب همزیستی کند. ما همه راه های اصولی همزیستی را نشان دادیم و پیشنهاد کردیم، اما آنها مسیر برگزاری کنگره جناحی کومه له و جدایی را انتخاب کردند و اکنون هم اکثریت این جریان مشغول پیشبرد پروژه بیرون آوردن کومه له از باصلاح حزب کمونیست شان هستند و عملاً مسیر تبدیل شدن به شاخه ای دیگر از سازمان زحمتکشان کردستان ایران را در پیش گرفته اند.

در این دوران پر فراز و نشیب پابندی حزب به منافع طبقه کارگر و نگاهمان به کمونیسم به عنوان یک گرایش اجتماعی درون طبقه کارگر رمز ادامه کاری ما بوده است. ما با این قطب نما این دوران سخت را تا اینجا آوردیم و

اکنون در شرایطی مراسم گرامیداشت چهل و یکمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران را برگزار می

کنیم که روند تغییر و تحولات در ایران بیانگر آن است که این جامعه بار دیگر در یک دوره انقلابی قرار گرفته و تحولات سرنوشت سازی را از سر می گذرانند. ضد انقلاب سرمایه داری اسلامی که انقلاب ۵۷ را به خون کشید، اکنون از هر سو زیر فشار اعتصابات کارگری، خیزش تهیدستان شهری و جنبش های پیشرو اجتماعی مانند جنبش زنان، جنبش دانشجویی، جنبش انقلابی کردستان، جنبش مدافعان محیط زیست، و جنبش دادخواهی علیه جنایاتی که انجام داده قرار گرفته است. پرچم جنبش علیه اعدام در شکنجه گاههای جمهوری اسلامی برافراشته شده است و پژواک جهانی پیدا کرده است. جنبش انقلابی ژینا و پیامدهای آن مهر عدم مشروعیت به پیشانی رژیم جمهوری اسلامی کوبیده و آن را با بحران حکومتی روبرو کرده است، نزاع و کشمکش باندهای حکومتی تشدید شده است. استراتژی تعرض بازدارنه رژیم از طریق سازماندهی و تجهیز "نیروهای محور مقاومت"، مسابقه تسلیحاتی و پروژه های اتمی که بیش از چهار دهه است برای تضمین بقای خودش روی آن سرمایه گذاری کرده است شکست خورده و قدرت بازدارندگی در مقابل تهاجم تحقیرآمیز اسرائیل را ندارد. دستگاه روحانیت و ایدئولوژیک رژیم به بن بست رسیده و توانایی مشروعیت بخشی به این اوضاع بحرانی و فقر و فلاکتی که به اکثریت مردم تحمیل کرده است را از دست داده است. در واقع اینبار این سران رژیم اسلامی هستند که کابوس انقلاب خواب را از چشمانشان ربوده است.

در عرصه بین المللی هم، ما اکنون در دوره ای به سر می بریم که نظام سرمایه داری با یک بحران ساختاری و فراگیر روبرو شده است، این بحران همه حوزه های اقتصاد سرمایه داری و سراسر جهان را در بر گرفته است. تلاش دولت ها و قدرتهای سرمایه داری برای کنترل این بحران رقابت میان آنها برای گسترش مناطق نفوذ را تشدید کرده و بحران های ژئوپلیتیکی را دامن زده است. در این شرایط، نظام سرمایه داری غیر از تشدید استثمار و فقر و فلاکت اقتصادی و جنگ و ناامنی و نابودی محیط زیست هیچ چشم اندازی برای برون رفت از این بحران ها ندارد. دولت های سرمایه داری نه فقط در قبال تأمین کار و زندگی و امنیت شهروندان از خود سلب مسئولیت کرده اند، بلکه بیش از پیش به ابزار تعرض سرمایه به کار و معیشت کارگران، تعرض به آزادی های سیاسی و ارزش های انسانی و دستاوردهای اجتماعی تبدیل شده اند. امروز تحت حاکمیت مناسبات سرمایه داری شکاف بین فقر و ثروت در سراسر جهان عمیق تر شده، محیط زیست انسانها در معرض خطر نابودی قرار گرفته، صدها میلیون انسان در پنج قاره جهان با فقر دست و پنجه

نرم می کنند. تحت این شرایط، اعتصابات

مردم فلسطین و لبنان قربانی جنگ افروزی دو قطب تروریستی



حمله جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش اسرائیل در روز جمعه ۲۰ سپتامبر به بیروت که طی آن ابراهیم عقیل و چندین تن دیگر از فرماندهان یگان ویژه حزب الله کشته شدند، موج دوم انفجار مرگبار بی‌سیم‌های واکتی تاکی و وسائل ارتباط الکترونیکی در روز چهارشنبه ۱۸ سپتامبر که بیش از ۲۰ کشته و صدها زخمی از خود بجای گذاشت در پی عملیات انفجار همزمان پیجرها و پیامگیرهای مورد استفاده گروه حزب الله که طی آن ۱۲ نفر کشته و بیش از ۴۰۰۰ نفر زخمی شدند بار دیگر دولت نژاد پرست اسرائیل و گروه ارتجاعی حزب الله در لبنان را در آستانه یک جنگ تمام عیار قرار داده و سایه شوم جنگی ویرانگر را بر بالای سر مردم این کشور و خاورمیانه گسترانده است. اگر چه دولت اسرائیل به روش معمول رسماً مسئولیت انجام عملیات های تروریستی انفجارها را که در جریان آن صدها نفر از مردم عادی هم زخمی و تعدادی نیز جان خود را از دست داده اند را بر عهده نگرفته است، اما در این تردیدی نیست که دولت اسرائیل با تکیه بر برتری فن آوری خود در جنگ سایبری و سیستم جاسوسی ضربه سختی را به این گروه وارد آورده و حسن نصرالله و کادر رهبری و فرماندهان حزب الله و هیئت مشاوران آنان در سپاه پاسداران جمهوری اسلامی را شدیداً تحقیر کرده است. حزب الله لبنان و رژیم جمهوری اسلامی هنوز ابعاد حقارت ناشی از ترور فواد شکر در جنوب بیروت و اسماعیل هنیه در مهامنسرای سپاه پاسداران در تهران را بر خود هموار نکرده بودند، که دولت اسرائیل اینبار در یک زنجیره عملیات که از ماهها پیش برای آن تدارک دیده، سیستم ارتباطات داخلی و سلسله فرماندهی حزب الله را فلج کرده، سفیر جمهوری اسلامی را زخمی و ضعف و حقارت این جریان تروریست اسلامی را به نمایش گذاشته است. انجام این عملیات ها که بدون نفوذ عوامل موساد در شبکه ارتباطات "فوق سری" حزب الله غیر ممکن به نظر می رسد، علاوه بر در هم ریختن شبکه ارتباطات درونی حزب الله، بحران اعتماد

اعتصاب کارگران نفت و پتروشیمی، اعتصاب کارگران فولاد اهواز، اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان، پنج سال اعتصاب و اعتراض کارگران هفت تپه و ... این ها لحظه های شکوهمندی هستند که کارگران می آفرینند و در این روند خود را سازمان می دهند. اکنون جنبش کارگری ایران یکی از پر اعتراض و اعتصاب ترین جنبش های کارگری جهان است. نباید تردیدی داشته باشیم طبقه کارگر ایران با توجه به فرصتی هایی که با تکیه بر جنبش اعتصابی خود به وجود آورده است آنهم در این دوره انقلابی می تواند بر این ضعف ها غلبه کند. اکنون زمان آن است که کارگران مبارزات اقتصادی خود را با خواسته های سیاسی تلفیق کنند، در هم آمیزند. اکنون لازم و ضروری است که پرچم مبارزه برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی، پرچم مبارزه برای لغو قانون حجاب اجباری، پرچم مبارزه برای لغو مجازات اعدام در دست طبقه کارگر باشد. اکنون وقت آن است که جنگ جمهوری اسلامی علیه زنان بر سر حجاب را به جنگ کل جامعه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. اکنون زمان تعرض است اکنون وقت آن است که طبقه کارگر پرچم مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. جنبش زنان اگر بخواهد با تمام توانایی و ظرفیت هایش ظاهر شود باید زنان کارگر و زحمتکش در مناطق حاشیه شهرها را با خود همراه و متشکل کند.

سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تحت رهبری طبقه کارگر نه فقط از زاویه منافع طبقه کارگر و جنبش آزدیخواهی و برابری طلبی در ایران به یک ضرورت و نیاز سیاسی تبدیل شده است، بلکه از زاویه منافع طبقه کارگر در سراسر جهان و جنبش آزدیخواهانه در منطقه خاورمیانه نیز تحول مهمی بحساب می آید. سرنگونی جمهوری اسلامی از مسیر انقلاب کارگری در جامعه ای مانند ایران که یکی از حلقه های ضعیف نظام سرمایه داری بحساب می آید و به یکی از کانون های تشدید تضادهای طبقاتی و اجتماعی تبدیل شده است، می تواند نقطه آغاز تعرض سوسیالیستی طبقه کارگر به نظام سرمایه داری باشد. در یک کلام می خواهیم بگویم که سرنگونی انقلابی جمهور اسلامی با نقش آفرینی طبقه کارگر از زاویه منافع انترناسیونالیستی طبقه کارگر نیز اهمیت عاجلی پیدا کرده است.

به عنوان یک حزب سیاسی کمونیستی مانند هر جریان دیگر ممکن است که بر اساس معیارهای مختلفی پیش رفت های خودمان را بسنجیم، اما در دنیای واقعی پیشرفت ما را بر اساس این معیار اجتماعی می سنجند، که ما تا چه اندازه به پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر خدمت کرده ایم. با تشکر از شما، سخنانم را به پایان می رسانم شاد و سرفراز باشید.

و اعتراضات کارگری علیه تعرض دولت ها به کار و زندگی و معیشت کارگران، جنبش جهانی همبستگی با مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل و حامیان آن در ناتو، جنبش ضد آپارتاید نژادی و جنسیتی، جنبش دفاع از محیط زیست و مقابله با تعرض دولت ها به آزادی های سیاسی و ... در همان حال که جهان را قابل تحمل تر کرده و امید به ساختن جهانی بهتر، جهانی آزاد و برابر را زنده نگه داشته، بستر مناسبی هم برای گسترش فعالیت سوسیالیستی در سراسر جهان فراهم آورده است. نام مارکس دوباره بر سر زبان ها افتاده و نقد مارکس از سرمایه داری دوباره در میان نسل جوان طرفدار پیدا کرده است. در این شرایط، تلاش برای ایجاد احزاب کمونیستی انقلابی که بتوانند مبارزات جاری کارگران علیه تعرض سرمایه و برای بهبود شرایط کار و زندگی را با استراتژی انقلاب کارگری و سوسیالیستی تلفیق کنند، به یک ضرورت سیاسی و طبقاتی مبرم تبدیل شده است. در فقدان یک حزب کمونیستی و انقلابی و اجتماعی دیدیم که جنبش عظیم مبارزه برای کاهش سن بازنشستگی در فرانسه در حالی که کارگران و مردم فرانسه در بیش از دویست شهر فرانسه برای تحقق این خواست به خیابان آمدند و هفتاد و پنج در صد افکار عمومی از این خواست حمایت می کرد، نتوانست به یک جنبش سیاسی جهت به عقب راندن دولت تبدیل شود و سرانجام پارلمان طبقه حاکم افزایش سن بازنشستگی را به تصویب رساند.

در ایران و در این دوره انقلابی باید بدانیم که چگونه به این حکم مارکس که می گوید این گوی و این میدان عمل کنیم. در این شرایط فقط تکرار و تأکید بر آرمانهای کمونیستی کافی نیست، بلکه باید بتوانیم عملاً به بسیج طبقه کارگر با افق سوسیالیستی در بعد اجتماعی کمک کنیم. چون تحلیل دینامیس انقلاب ایران این را به ما می گوید که بدون حضور جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در صحنه سیاسی جامعه، نمی توان پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی ژینا، جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تضمین کرد. تجربه تمام انقلاب ها در قرن بیستم و خیزش های انقلابی در قرن بیست و یکم و تجربه خیزش های چند سال اخیر در ایران نشان می دهند، که در شرایط امروز ایران اعتصاب سراسری کارگران در مراکز کلیدی تولید و خدمات با تلفیق خواسته های اقتصادی و سیاسی که به ستون فقرات اعتصاب عمومی سیاسی تبدیل شده باشند، محتمل ترین روند برای پیشروی انقلاب است. این درست است که طبقه کارگر ایران در این شرایط فاقد سازمانهای توده ای و طبقاتی خود است. اما سازمانیابی کارگران را نباید دور از دسترس دانست، طبقه کارگر برای غلبه بر این ضعف ها باید فرصت ایجاد کند و این فرصت را با جنبش عظیم اعتراضی و اعتصابات خود ایجاد کرده است. اعتصاب و اعتراض سراسری پرستاران،

تردید نیست در صورت تداوم و گسترش این جنگ، مردم رنج دیده لبنان که زیر فشار گرانی، بیکاری و فقر فلاکت اقتصادی کمرشان خم شده هستند، دوباره قربانی و آواره این جنگ ویرانگر خواهند شد. مردم فلسطین، لبنان و اسرائیل که قربانیان اصلی این جنگ افروزی ها هستند، هیچ منفعی در این جنگ ارتجاعی ندارند. این جنگ در راستای منافع گروههای نژادپرست و فاشیستی در اسرائیل و بقاء نتانیاهو در قدرت سیاسی قرار دارد. حزب الله و رژیم جمهوری اسلامی که جنگ مستقیم و تمام عیار با اسرائیل را در راستای منافع خود نمی دانند، با موشک پراکنی و تداوم جنگ فرسایشی علیه اسرائیل عملاً به اهداف جنگی نتانیاهو خدمت می کنند. وقایع چند روز اخیر بار دیگر نشان داد که استراتژی تعرض بازدارنده رژیم جمهوری اسلامی با تأسیس و سازماندهی حزب الله در لبنان و دیگر جریان های تروریست اسلامی در منطقه تحت عنوان "محور مقاومت"، وارد شدن به مسابقه تسلیحاتی و پروژه های اتمی با هدف مقابله با اسرائیل و آمریکا، قدرت بازدارندگی ندارد و به بن بست رسیده است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با سیاست هایش کمک کرده که خاورمیانه به بازار داغ فروش سلاح های امریکایی تبدیل گردد. این رژیم با ماهیت سیاست های فاشیستی و تروریستی اش در قبال طبقه کارگر و اکثریت مردم ایران و پناهندگان افغانستانی نمی تواند مدافع راستین مردم فلسطین باشد.

در حالی که سازمان ملل این کلوب بین المللی قدرت های سرمایه داری جهان به محل ایراد سخنان گنده و توخالی تبدیل شده و در برابر جنایات و نسل کشی دولت اسرائیل هیچ اقدام عملی از خود نشان نمی دهد. کارگران و مردم ستمدیده در لبنان و فلسطین راهی جز اتحاد و همبستگی با کارگران و نیروهای آزادیخواه و جریان های انقلابی در اسرائیل و جلب حمایت و همبستگی نیروهای آزادیخواه و برابری طلب در سطح جهان برای بهبود توازن قوا در مبارزه بر علیه رژیم نژادپرست اسرائیل و طرد جریانات تروریست اسلامی پیش رو ندارند. لازم است با حمایت و تقویت نیروی همبستگی جهانی با مردم ستمدیده فلسطین توازن قوا را به نفع مبارزه حق طلبانه و آزادیبخش این ملت ستمدیده تغییر داد. نباید گذاشت که آرزوها و امیدهای ملت فلسطین برای رهائی از چنگ یک رژیم هار نژادپرست و اشغالگر زیر آوار این جنگ های ارتجاعی، خونین و ویرانگر مدفون گردند.



چند پهباد و دروغپردازی هایی که چاشنی آنها کرد از سر گذراند.

تهاجم پی در پی و پر سر و صدای دولت اسرائیل علیه حزب الله در بیروت این پیام را برای سران این گروه و رژیم جمهوری اسلامی در بر دارد که اسرائیل می خواهد پاسخ جنگ فرسایشی حزب الله و جمهوری اسلامی علیه خود را با وارد شدن به جنگ مستقیم و تمام عیار بدهد. نتانیاهو که تاکنون بارها اعلام کرده که در یک قدمی نابودی حماس و آزادی گروگانها قرار گرفته است و با این وعده ها حمایت عملی آمریکا و دیگر حامیان خود در ناتو را هم جلب کرده، اکنون در لبه جنگ تمام عیار علیه حزب الله قرار گرفته است. بعد از عملیات انفجار پجرا و بی سیم ها و کشتار فرماندهان حزب الله، روز جمعه یوآو گالانت، وزیر دفاع دولت اسرائیل، "مرحله جدیدی" از جنگ را اعلام کرد. وی هدف این مرحله از جنگ را بازگشت شهروندان پناهنده به مناطق مرزی تعریف کرد. نتانیاهو و کابینه امنیتی و دست راستی اسرائیل نیز بازگشت شهروندان فراری از شمال اسرائیل را یکی دیگر از اهداف جنگ غزه در درگیری با حزب الله اعلام کردند. این هم صدایی در اعلام جنگ نشان از آن دارد، که دولتمردان اسرائیل برای این مرحله از جنگ نیز موافقت دوفاکتور- ی جو بایدن و هم پیمانان اروپایی آمریکا در ناتو را هم جلب کرده اند. برای دولت اشغالگر اسرائیل اعلام مرحله جدید جنگ بخشی از استراتژی تلاش برای نابودی ملت فلسطین است. ارتش اسرائیل در غزه با شدت بمباران و موشک بارانهای بی وقفه، ابعاد ویرانی ها، کشتار بیش از ۴۱ هزار فلسطینی، به قحطی کشاندن این سرزمین، نابودی تمامی زیرساخت های بهداشتی، آموزشی و فرهنگی نشان داد که هدفی جز نابودی ملت فلسطین ندارد. دولت آمریکا در راستای منافع سرمایه داری و غول های صنایع تسلیحاتی این کشور با سرازیر کردن کمک های تسلیحاتی و مالی خود به اسرائیل، نشان داده است که همدست و توجیه گر جنایت و نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین به شمار می آید.

در بین فرماندهان و مسئولین رده بالای این جریان را هم دامن خواهد زد و آن را در برابر تهاجم دولت اسرائیل ضربه پذیرتر می کند.

این عملیات ها با هر پیامدی که داشته باشند در ادامه منطقی تلاش های دولت دست راستی نتانیاهو برای گسترش ابعاد جنگ و تبدیل کردن نسل کشی مردم فلسطین در غزه به مقدمه یک جنگ منطقه ای از یکسو و ادامه جنگ فرسایشی حزب الله علیه اسرائیل مطابق استراتژی رژیم جمهوری اسلامی از سوی دیگر قابل تحلیل و ارزیابی هستند. نگاهی به روند رویدادها و به ویژه توجه به ناکامی های دولت اسرائیل در دستیابی به اهداف اعلام شده نسل کشی در غزه و بحران هایی که در داخل اسرائیل با آن روبرو است بیانگر آن است که دولت نتانیاهو همچنان به دنبال گسترش دامنه جنگ در خاورمیانه است. رویکرد تاکنونی گروه اسلامی حزب الله هم نشان می دهد که در استراتژی جنگ فرسایشی این سازمان علیه اسرائیل تغییری حاصل نشده است. گاه شمار تش های موجود بین اسرائیل و حزب الله در لبنان همین واقعیت را نشان می دهد.

حدوداً سه ماه پیش روز سه شنبه ۲۹ خرداد برابر با ۱۸ ژوئن ۲۰۲۴ ارتش اسرائیل اعلام کرد که: "طرح حمله به لبنان را آماده کرده و به تأیید و تصویب نیز رسانده است". نتانیاهو نیز اعلام کرد که بخشی از نیروهای نظامی اسرائیل را برای جنگ با حزب الله از جنوب به شمال منتقل می کند. وی همزمان وزیر دفاع خود را روانه آمریکا کرد تا طرح حمله به جنوب لبنان را با مقامات نظامی آمریکا مورد بحث قرار دهد. بعد از آن هوکستین نماینده بایدن عازم خاورمیانه شد تا به حزب الله در مورد ادامه موشک پرانی به اسرائیل هشدار دهد. او این پیام آمریکا را از طریق "نبنیه بری" رئیس پارلمان لبنان به حزب الله رساند که: "اگر موشک پرانی حزب الله ادامه یابد، آمریکا نمی تواند مانع حمله زمینی اسرائیل و اشغال لبنان شود". در آنزمان و به دنبال تهدیدات دولت اسرائیل حسن نصرالله هم بلافاصله آمادگی خود را برای جنگ با اسرائیل اعلام کرد و تهدید نمود که از تاکتیک جنگ خارج از قواعد و ضوابط استفاده خواهیم کرد و با اسلحه هایی که اسرائیل ممکن است در میدان جنگ آنها را ببیند، شمال اسرائیل را اشغال خواهیم کرد و امنیت اسرائیل را در هر جایی به خطر خواهیم انداخت". اما حزب الله به رغم این بزرگ نمایی ها در مورد توان نظامی خود، پاسخ به ترور فواد شکر و وعده عملیات تلافی جویانه را در امتداد جنگ فرسایشی با پرتاب

بیانیه کنگره چهاردهم حزب کمونیست ایران

جهان به کجا می رود، خطرات و فرصت ها

تیر ۱۴۰۳ - جولای ۲۰۲۴



منافع دولت اسرائیل و سازمان حماس بوده است. طی این سالها حمایت های مالی و تسلیحاتی رژیم اسلامی به سازمان حماس و جهاد اسلامی فرصت را برای دست راستی ترین احزاب در داخل اسرائیل فراهم آورده تا با بزرگ نمایی خطر حماس و جریان های تروریست اسلامی اهرم های قدرت سیاسی و نظامی را در دست بگیرند. آنها با دستاویز قرار دادن مواضع حماس، رژیم جمهوری اسلامی، حزب الله در لبنان و دیگر گروههای تروریست اسلامی کارگران و مردم طرفدار صلح در اسرائیل و فلسطین را سرکوب کرده اند. حاصل سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در حمایت از جریان های تروریسم اسلامی در منطقه، تبدیل شدن کشورهای حوزه خلیج به زرادخانه سلاح های آمریکایی و غارت درآمدهای نفتی این کشورها توسط دولت آمریکا و سایر دولتهای غربی بوده است.

در اروپا با گذشت بیش از دو سال و نیم از جنگ اوکراین و صف آرایی ناتو در برابر روسیه بدون آنکه چشم اندازی در مورد پیروزی نظامی بر روسیه وجود داشته باشد، هژمونی آمریکا در این قاره هم آشکارا به چالش کشیده شده است. این جنگ امپریالیستی پیامد مستقیم تلاش های ناتو به رهبری آمریکا برای گسترش دامنه اعضای خود به کشورهای هم مرز با روسیه که قبلا به پیمان ورشو تعلق داشتند از یک سو و از سوی دیگر جولان ناسیونالیسم و عظمت طلبی روسی که با مداخله نظامی در گرجستان، اوکراین، قزاقستان، سوریه و جنوب صحرائی آفریقا آشکارا سیاست توسعه طلبانه امپریالیستی خود را به نمایش گذاشته بود؛ می باشد. با جنگ اوکراین آمریکا و هم پیمانان آن در اروپا فرصتی پیدا کرده اند که توجه افکار عمومی در کشورهای خود را از پیامد بحران اقتصادی بر زندگی مردم، ناکامی ها و رسوایی های پی در پی در عرصه داخلی و پیامد شکست های خود در عرصه جهانی را به انحراف بکشانند و تحت عنوان دفاع از آزادی و حفظ تمامیت ارضی اوکراین، با حربه اعمال تحریم های اقتصادی علیه روسیه و ارسال سلاح به دولت فاشیستی اوکراین، از یکدیگر سبقت بگیرند. این در حالی است که دود تحریم اقتصادی اتحادیه اروپا در دنباله روی از سیاست های دولت آمریکا علیه روسیه مستقیما به چشم مردم عادی در روسیه و اروپا و سراسر جهان می رود. اگر مردم اوکراین در میدان این جنگ امپریالیستی کشتار می شوند، خانه هایشان بر سرشان ویران می گردد و آواره می شوند، اگر مردم روسیه در آنطرف

بوده است بهره برده، پیوندهای استراتژیک اقتصادی خود را با چین گسترش داده و پیمان های نظامی جدید منعقد کرده اند. رژیم جمهوری اسلامی بر بستر این کشمکش ها در دوره گذار به سوی تثبیت جهان چند قطبی، تلاش کرده با سازماندهی نیروهای "محور مقاومت"، مداخله گری نظامی در کانون های بحران این منطقه و با تکیه بر برنامه های هسته ای و بزرگنمایی در مورد آن سهم خود را در نظم منطقه ای آینده تثبیت کرده و از این مسیر بقای خود را تضمین کند.

در این دوره دولت نژاد پرست اسرائیل تنها متحد استراتژیک و قابل اتکای ایالات متحده در منطقه خاورمیانه در ادامه بیش از هفت دهه اشغالگری، با به راه انداختن موج تازه ای از نسل کشی مردم فلسطین در غزه ابتکار عمل را در دست گرفته و آمریکا و متحدین اروپایی آن در ناتو به رغم ابراز نگرانی از گسترش این جنگ در خاورمیانه، عملا با سیاستهای نژادپرستانه دولت دست راستی نتانیاهو و نسل کشی آشکار آن علیه مردم غزه شریک و همراه شدند. بورژوازی حاکم در آلمان و دیگر هم پیمانان آمریکا در اروپا با قرار گرفتن در کنار دولت اسرائیل ظرفیت های فاشیستی خود در قرن بیست و یکم را هم نشان دادند. در حالی که جنایات جنگی علیه مردم فلسطین و حمام خونی که در غزه به راه افتاده است افکار عمومی بشریت آزادخواه و برابری طلب در سراسر جهان را علیه دولت اشغالگر و نژادپرست اسرائیل برانگیخته است، حکومت های ارتجاعی منطقه ریاکارانه سنگ دفاع از مردم فلسطین را به سینه زده و در همانحال هیچ فرصتی را برای عادی سازی مناسبات با دولت اسرائیل و بند و بست با آمریکا در راستای منافع خود و علیه منافع مردم ستمدیده فلسطین از دست نداده اند. دولت فاشیست ترکیه در حالی برای مردم فلسطین اشک تمساح می ریزد که در طی همین مدت و در سایه سکوت رسانه ها و با چراغ سبز آمریکا در ادامه سیاست اشغالگرانه خود در کردستان سوریه و عراق با سلب امنیت از ساکنان این مناطق بارها زیرساخت های اقتصادی و خدماتی در کردستان سوریه و روستاها و کشتزارهای مردم در کردستان عراق را بمباران کرده و صدها نفر از مردم را کشته، زخمی و آواره کرده است. رژیم جمهوری اسلامی که به بهانه جنایت جنگی دولت اسرائیل با دروغ پردازی خود را مدافع مردم فلسطین جلوه می دهد، سیاست هایش نه در خدمت منافع مردم فلسطین، بلکه عملا در خدمت

در سه دهه اخیر بر متن بحران ساختاری نظام سرمایه داری و تشدید رقابت قدرتهای سرمایه داری برای گسترش مناطق نفوذ، مناسبات این قدرتها در سطح جهان و در کانونهای مختلف این بحران به ویژه در خاورمیانه بشدت تغییر کرده و جهان را با مخاطرات روز افزونی روبرو کرده است. بعد از پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق که همراه بود با افول قدرت اقتصادی آمریکا در رأس بلوک پیروز و ظهور قدرتهای اقتصادی جدید، آمریکا که نمی توانست بیش از این با تکیه به برتری قدرت اقتصادی هژمونی خود را بر جهان حفظ کند، تلاش کرد با اتکا به قدرتی نظامی و گسترش میلیتاریسم، رهبری خود را بر جهان بعد از جنگ سرد تأمین کند. جنگ خلیج، لشکرکشی به افغانستان و عراق، مداخله نظامی در لیبی و سوریه عرصه های مختلف این قدرت نمایی نظامی بودند. آمریکا در تمام این جنگ ها در دستیابی به اهداف خود شکست خورد. علاوه بر این ناکامی ها، خیزش های توده ای در خاورمیانه در بیش از یک دهه گذشته نیز به نوبه خود نشان دادند که دولت آمریکا نمی تواند با تکیه بر قدرتی نظامی، حکومت ها و دیکتاتورهای متحد خود در این منطقه را از خطر سرنگونی نجات دهد. با تضعیف نقش رهبری آمریکا در خاورمیانه، نظم نوین جهانی جرج بوش، پروژه خاورمیانه بزرگ، یکی بعد از دیگری به بایگانی سپرده شدند و پروژه صلح ابراهیم و معامله قرن به حاشیه رفتند. این مجموعه تحولات بیش از پیش افول نقش هژمونیک آمریکا در دوره پر تلاطمی که روند اوضاع بسوی تثبیت جهان چند قطبی در حرکت است را به نمایش گذاشت.

در خاورمیانه قدرت های منطقه ای مانند ترکیه، عربستان سعودی و شوراهای شورای همکاری های خلیج فارس از رقابت هایی که بین آمریکا و متحدین اروپایی آن از یک سو و قدرت هایی مانند چین و روسیه از سوی دیگر در جریان



مرز با تحمل فقر بیشتر هزینه‌های سنگین این جنگ را می‌پردازند، کارگران و مردم کشورهای اروپایی هم با افزایش سرسام آور قیمت نفت و گاز و غلات و افزایش مالیات‌ها بخشی از هزینه‌های این جنگ ارتجاعی را بر دوش می‌کشند. در آمریکای لاتین طی همین سالهای اخیر، دولت‌های حاکم در شش اقتصاد بزرگ این منطقه که همگی از متحدان نزدیک دولت آمریکا بودند، جای خود را به دولت‌های "چپ" بورژوا رفرمیست دادند. این جابجایی قدرت محصول شکست سیاست‌های نئولیبرالی و بر متن آن رشد جنبش‌های توده‌ای علیه سیاست‌های ریاضت اقتصادی مورد حمایت



صندوق بین‌المللی پول با هژمونی آمریکا بوده است. این جابجایی قدرت به رغم حفظ تمام و کمال ماشین دولتی، ارتش، سازمان پلیس و نیروهای امنیتی و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی دولتی یکی دیگر از نشانه‌های زوال هژمونی ایالات متحده آمریکا در جهان بوده است.

جنگ امپریالیستی در اوکراین، نسل‌کشی دولت اسرائیل در غزه و رویارویی‌ها در خاورمیانه، تحولات در آمریکای لاتین، در آفریقا و در شرق آسیا بر متن تداوم و تعمیق بحران سرمایه‌داری جهانی و متعاقب بحران‌های ناشی از همه‌گیری کرونا فارغ از تأثیرات آن بر زندگی و معیشت صدها میلیون تن از مردم جهان، فرایند شکل‌گیری و تثبیت قطب‌های جدید را شتاب بیشتری بخشیده است. این اوضاع در همه این‌ها قانون‌های بحران جهان رقابت‌های ژئوپلیتیک را دامن زده است. بر خلاف تصور ایالات متحده آمریکا و دیگر قدرتهای غربی که همچنان خود را در مرکز تحولات جهان می‌بینند و بر این باورند که کشورهای جنوب باید خود را با سیاستهای راهبردی آنان همسو سازند، جهان مدتهاست که به سوی ایجاد قطب‌های جدیدی حرکت کرده و کشورهای جنوب دیگر خود را در قامت کلنی‌های جهان غرب نمی‌بینند. گروه بریکس، پیمان منطقه‌ای شانگهای، اتحادیه کشورهای آفریقا و اتحادیه کشورهای آمریکای جنوبی و کارائیب بخشی از این قطب‌های جدید هستند که وارد بازی

در صحنه معادلات منطقه‌ای و جهانی شده‌اند. در حوزه اقتصادی به روشنی میتوان دید که این قطب‌های جدید به رغم موانع بزرگی که سر راه دارند، جهت مقابله با هژمونی طلبی آمریکا به سوی ایجاد مکانیزم‌های جایگزین حرکت میکنند. چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی جهان در رأس اعضای گروه بریکس و با پروژه "جاده ابریشم" در تلاش برای ایفای نقش تعیین‌کننده تر در اقتصاد و روابط بین‌المللی می‌باشد. آنچه روشن است جهان دوره گذار پر تلاطم و حساسی را از سر می‌گذراند. مناسبات قدرتهای جهانی و منطقه‌ای و نظم ژئوپلیتیک جهان در حال تغییر است، ایالات متحده آمریکا نقش هژمونیک خود را از دست داده است. جهان بر متن بحران ساختاری و فراگیر سرمایه‌داری و کشمکش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به سوی تثبیت نظام چند قطبی در حرکت است. بدون تردید در جهان چند چینی با هر مختصاتی که داشته باشد، سهم طبقه کارگر و اکثریت عظیم فرودستان جز ادامه استثمار و فقر و فلاکت اقتصادی و ناامنی چیزی دیگر نخواهد بود.

این بحران‌ها و اوضاع پر تلاطم جهان، دو پدیده اجتماعی و گرایش متضاد یعنی گسترش مبارزات کارگری و رشد جریان‌های راست افراطی را همزمان و به موازات هم رشد داده است. بر بستر تداوم بحران سرمایه‌داری و اوضاع متحول‌کنونی در جهان، جریان‌های راست افراطی به سبب خشم و اعتراض انباشته شده ناشی از برنامه‌های ریاضت اقتصادی و نئولیبرالی که پیامد اقتصادی بحران کرونا و جنگ امپریالیستی در اوکراین و بحران مالی جهانی بر ابعاد و شدت آن‌ها افزوده است نیز رشد کرده‌اند. این جریان‌های راست افراطی تا حدودی موفق شده‌اند خشم و اعتراض برانگیخته شده بخش‌هایی از جامعه علیه وضع موجود را به بیراهه برده و علیه جناح چپ جامعه و مهاجران و پناهجویان معطوف کنند. ترامپ در آمریکا با سیاست‌های نژادپرستانه و پوپولیستی خود تا حدی توانسته اعتراض‌بخش‌هایی از جامعه علیه وضع موجود را علیه مهاجران کانالیزه کند. همچنین جریان‌هایی مانند "برادران در ایتالیا"، "بدیل برای آلمان"، "جناح دست راستی در حزب محافظه‌کار بریتانیا"، مارین لوپن در فرانسه، "حزب آزادی در اتریش"، "دموکرات‌های سوئدی"، "حزب بهاراتیا جاناتا در هند"، "حزب آزادی آرژانتین" و ... از جمله جریان‌های راست افراطی و نئوفاشیستی هستند که اگر چه هیچ‌کدام بدیل اقتصادی منسجمی در برابر بن‌بست الگوی نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی نئولیبرالی ندارند، اما در غیاب یک بدیل قدرتمند رادیکال و سوسیالیستی، از خشم و اعتراض بخشی از جامعه از پیامدهای بحران سرمایه‌داری؛ تغذیه می‌کنند.

در دو سال اخیر طبقه کارگر در ایالات متحده آمریکا بعد از چندین دهه رکود و انجماد دستمزدها، دست به تعرض زد و کارگران در رشته‌های مختلف برای افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. کارگران خودرو سازی‌ها و دیگر بخش‌های تولیدی و خدماتی نقش برجسته‌ای در سازماندهی این اعتصابات داشتند. این اعتصابات و اعتراضات با مبارزه کارگران علیه بوروکراتیسم درون اتحادیه‌های کارگری توأم بوده است. در کشورهای اروپایی نیز در حالی که دولت‌ها و صاحبان سرمایه بعد از بحران کرونا و در پی جنگ امپریالیستی در اوکراین به تشدید استثمار کارگران روی آوردند، کارگران در فرانسه، بریتانیا، آلمان، یونان و ... برای افزایش دستمزدها و بهبود شرایط زندگی و کار، علیه تخریب گسترده مشاغل و کاهش حقوق بازنشستگی و برای کاهش هزینه‌های نظامی فزاینده، دست به اعتصاب و اعتراضات گسترده زدند. در قاره آفریقا هم کشورهای آفریقای جنوبی، نیجریه و سنگال، غنا و ... صحنه گسترش اعتراضات کارگری برای بهبود شرایط زندگی و علیه فشار دولت‌ها یا استثمار شدید شرکت‌های چندملیتی بودند. در آمریکای لاتین کارگران معادن طلا و صنعت فولاد و توده‌های به جان آمده از سیاست‌های دولت دست راستی در آرژانتین این کشور را به صحنه اعتصابات و اعتراضات ادامه دار تبدیل کردند. همچنین کارگران در مکزیک، پاناما، برزیل، شیلی و اکوادور در اعتراض به افزایش هزینه‌های زندگی دست به اعتراض زده‌اند. کارگران در هندوستان، ژاپن و بنگلادش هم از جنبش اعتراضی و اعتصابی هم طبقه‌های‌های خود برای بهبود زندگی که به پهنای جهان جریان داشته است، عقب‌نمانده‌اند. این موج جنبش اعتصابی و اعتراضی گسترده کارگران در سراسر جهان نشان می‌دهد که خشم و اعتراض علیه سیاست‌های ضدکارگری دولت‌ها و صاحبان سرمایه و صنایع و کمپانی‌های چندملیتی در حال افزایش است. کارگران از تعمیق دره بین فقر و ثروت و از این همه فقر و نابرابری عاصی هستند و خواهان تخصیص منابع برای آموزش، بهداشت، و رفاه انسانها هستند.

در این شرایط، نظام سرمایه‌داری غیر از تشدید استثمار و فقر و فلاکت اقتصادی و جنگ و ناامنی و نابودی محیط زیست هیچ چشم اندازی برای برون رفت از این بحران‌ها ندارد. دولت‌های سرمایه‌داری نه فقط در قبال تأمین کار و زندگی و امنیت شهروندان از خود سلب مسئولیت کرده‌اند، بلکه بیش از پیش به ابزار تعرض سرمایه به کار و معیشت کارگران، تعرض به آزادی‌های سیاسی و ارزش‌های انسانی و دستاوردهای اجتماعی تبدیل شده‌اند. امروز تحت حاکمیت مناسبات



اطلاعیه پایانی پلنوم هفتم کمیته مرکزی کومه له

کردن بار سنگین تحریم ها و دستیابی به دلارهای بلوکه شده بود. اما از نظر مردم جناح های درون حکومت تفاوتی با هم ندارند و هیچ کدام نمی توانند به مطالبات مردم پاسخی جز سرکوب داشته باشند. استراتژی سپاه پاسداران و هر دو جناح حکومتی برای بقای نظام اسلامی ادامه و تشدید فضای سرکوب است.



عدم مشارکت مردم در این مضحکه های انتخاباتی نه از سر بی تفاوتی بلکه یک اقدام سیاسی آگاهانه علیه کلیت حکومت اسلامی بود. این اقدام سیاسی نشان داد جنبش انقلابی ژینا که زنگ خطر سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی را به صدا در آورد، همچنان زنده است و در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تأثیرات خود را نشان می دهد. از اینرو تلاش فراوان خامنه ای و دم و دستگاههای رژیم در مضحکه انتخابات نتوانست تأثیری بر تداوم مبارزات و اعتصاب و اعتراضات کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان داشته باشد؛ مبارزات زنان علیه حجاب اجباری متوقف نشد؛ مبارزه علیه اعدام در زندانها گسترش یافت. علاوه بر آنها در یک ماه اخیر برای اولین بار شاهد اعتراض و اعتصاب گسترده، طولانی مدت و همزمان پرستاران با پیشسازی زنان برای تحقق مطالباتشان، در بسیاری از شهرها نیز بودیم. این اعتراضات هنوز هم ادامه دارد. تداوم اعتراضات پرستاران علیرغم تهدیدات دستگاههای سرکوبگر امنیتی، نشانه وجود درجه ای از رهبری و سازماندهی اعتصاب و اعتراضات پرستاران است و این را نیز باید از جمله پیامدهای جنبش انقلابی ژینا در جامعه به حساب آورد.

تضعیف موقعیت رژیم جمهوری اسلامی در منطقه در تداوم جنگ و نسل کشی دولت اسرائیل علیه مردم بی دفاع فلسطین بخشی دیگر از گزارش سیاسی پلنوم را به خود اختصاص داد. در یک سال گذشته رژیم اسلامی علیرغم جارو جنجال تبلیغاتی "نابودی اسرائیل و آزادی قدس شریف"، نه تنها عملاً حمایتی از مردم بی دفاع فلسطین به عمل نیاورده، بلکه در مقابل تعرضات نظامی بشدت تحقیر آمیز اسرائیل توانایی دفاع از خود نیز نداشته است. تهاجم نظامی و ترور تحقیر آمیز اسماعیل هنیه در قلب تهران و ضربات نظامی دیگر دولت اسرائیل به دستگاهها و مراکز حساس حکومت اسلامی و فرماندهان سپاه پاسداران در سوریه، نشان داد که ضعف و درماندگی دستگاه اطلاعاتی رژیم جمهوری اسلامی نه ناشی از یک خلاء امنیتی، بلکه ناشی از فساد نهادینه شده در کل ساختار سیاسی و اداری حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی است که در دستگاههای

سرمایه داری و عنان گسیختگی سرمایه در کسب سود در کوتاهترین زمان ممکن، در حالی که رشد سریع و فوق العاده تکنولوژی و بارآوری تولید به اوج خود رسیده است، شکاف بین فقر و ثروت در سراسر جهان عمیق تر شده، محیط زیست انسانها در معرض خطر نابودی قرار گرفته، صدها میلیون انسان در پنج قاره جهان با فقر دست و پنجه نرم می کنند و صدها هزار انسان مهاجر برای فرار از جنگ و فقر و ناامنی خود را به اموج دریا می سپارند.

تحت این شرایط، اعتصابات و اعتراضات کارگری علیه تعرض دولت ها به کار و زندگی و معیشت کارگران، جنبش جهانی همبستگی با مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل و حامیان آن در ناتو، جنبش ضد آپارتاید نژادی و جنسیتی، جنبش دفاع از محیط زیست و مقابله با تعرض دولت ها به آزادی های سیاسی و ... در همان حال که امید به ساختن جهانی بهتر، جهانی آزاد و برابر را زنده نگه داشته، بستر مناسبی برای گسترش فعالیت سوسیالیستی در سراسر جهان فراهم آورده است. آیا جنبش سوسیالیستی و انترناسیونالیستی طبقه کارگر در این دوره تاریخی و بر متن رشد مبارزات کارگری و جنبش های اعتراضی می تواند به یک قطب نیرومند سیاسی تبدیل گردد؟ باید برای آن پیگیرانه تلاش کرد. ایجاد احزاب کمونیستی انقلابی که بتوانند مبارزات جاری کارگران علیه تعرض سرمایه و برای بهبود شرایط کار و زندگی را با استراتژی انقلاب کارگری و سوسیالیستی تلفیق کنند از پیش شرطهای پیشروی جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر در این مسیر است. احزابی که در مرزبندی قاطع با احزاب چپ رفرمیست و پارلمنتاریست ها در خارج از دایره پارلمان و حلقه سازمان های غیر دولتی "ان. جی. او"ها که مانند سوپاپ اطمینان دولت های سرمایه داری عمل می کنند، قدرت سرمایه را در تمام وجوه آن به چالش بکشند؛ احزابی که در راستای استراتژی سوسیالیستی شرکت فعالانه و سمت و سو دادن به همه جنبش های اجتماعی و اعتراضی پیشرو را امر خود بدانند؛ احزاب رادیکالی که به امر سازمانیابی کارگران و فرودستان جامعه در محیط کار و زیست یاری رسانند، با تکیه بر این سازمانیابی نه تنها تعرض سرمایه به کار و معیشت کارگران را به عقب برانند، بلکه سرمایه را مورد تعرض قرار دهند و امکان پذیری به زیر کشیدن دولت های سرمایه داری و قدرت گیری از پایین و مدیریت جامعه از جانب کارگران و اکثریت عظیم فرودستان را نشان دهند؛ احزاب کمونیست و انقلابی که پرچم دار تأسیس بین الملل کارگران باشند، احزابی که مانند بخشی از طبقه کارگر و سلاح برنده این طبقه اجتماعی در تعرض به سرمایه عمل کنند.

نشست وسیع کمیته مرکزی کومه له منتخب کنگره ۱۸، روز شنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۳ برابر با هفتم سپتامبر ۲۰۲۴ با حضور اعضا کمیته مرکزی کومه له و اعضا کمیته حزب کمونیست ایران به عنوان ناظر، برگزار گردید. پلنوم هفتم با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی جهانی طبقه کارگر و یک دقیقه سکوت در گرامی داشت یاد و خاطره جانباختگان صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له و کلیه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز به کار کرد.

اولین دستور جلسه این نشست، بررسی گزارش سیاسی کمیته رهبری کومه له به پلنوم هفتم بود. گزارش سیاسی پلنوم با توجه به اینکه اخیراً در کنگره ۱۴ حزب کمونیست ایران به تفصیل به اوضاع سیاسی و اقتصادی ایران و موقعیت جمهوری اسلامی و اوضاع منطقه و بین المللی پرداخته شده بود، به بررسی آخرین تغییر و تحولات در ایران و کردستان و منطقه متمرکز شد. نتایج مضحکه انتخابات ریاست جمهوری در ایران یکی از موارد مورد بحث گزارش پلنوم بود. در این رابطه تأکید شد که با توجه به تشدید روز افزون بحرانهای همه جانبه رژیم اسلامی و گسترش اعتصاب و اعتراضات کارگران و دیگر اقشار تهدیدست جامعه و عدم توان رژیم در پاسخگویی به مطالبات آنان، رژیم بار دیگر تلاش نمود مضحکه انتخابات رئیس جمهوری را مطابق نیاز سیاسی خود مهندسی کند.

یکی از اهداف فریبکارانه حکومت از مهندسی این انتخابات و عدم رد صلاحیت مسعود پزشکیان بالا بردن میزان مشارکت مردم در دور دوم انتخابات و وسوسه اصلاح طلبان رانده از حکومت به امید دست یافتن به سهمی هر چند اندک در قدرت بود. اما مردم در دور دوم نیز با نرفتن پای صندوقهای رأی، بار دیگر مهر عدم مشروعیت بر پیشانی حکومت اسلامی کوبیدند. هدف دیگر حکومت اسلامی از انتصاب پزشکیان ذوب شده در ولایت که با اصلاح طلبان حکومتی تداعی می شود جلب توجه آمریکا و دولتهای غربی، اعلام آمادگی برای "نرمش قهرمانانه" و عقب نشینی بیشتر در گفتگوهای جاری برای سبک

امنیتی سپاه پاسداران نیز ریشه دوانده است. دستگاه‌های جاسوسی و امنیتی اسرائیل توانسته اند در سیستم اطلاعاتی و امنیتی رژیم نفوذ کنند. این مجموعه تحولات نشان داد که استراتژی تهاجم "بازداره" رژیم از طریق مداخله نظامی در کانون های بحران منطقه، سازماندهی نیروهای باصلاح "محور مقاومت" و به راه انداختن مسابقه تسلیحاتی که طی چهار دهه گذشته هزینه‌های کلانی را به سفره کارگران و مردم زحمتکش ایران تحمیل کرده است، شکست خورده است. اگر زمانی حکومت اسلامی ادعا می‌کرد برای حفظ امنیت نظام در داخل، باید در لبنان و سوریه و عراق جنگید و آنرا "سیاست بازدارندگی" نام نهاده بود، اینک معلوم شده که تداوم بقای حکومت اسلامی نه از سوی دولتهای منطقه بلکه در داخل ایران و با گسترش اعتصاب و اعتراضات جنبشهای اجتماعی و در رأس آنها جنبش کارگری به خطر افتاده است. خود جمهوری اسلامی نیز که با بحران های عمیق اقتصادی و سیاسی و اجتماعی چاره ناپذیری دست به گریبان است به این امر واقف است.

پلنوم در بخشی دیگر از بحثهای سیاسی، به موقعیت و ظرفیتهای موجود در کردستان در مبارزه علیه جمهوری اسلامی پرداخت. تأثیرات این پتانسیل و ظرفیتهای در جنبش انقلابی ژینا به وضوح نمایان بود و نشان داد که جنبش انقلابی کردستان یک پای ثابت و تأثیر گذار در هر جنبش اعتراضی و تحول سیاسی در سطح سراسری بوده است. رژیم جمهوری اسلامی که از یک سو شاهد نقش مؤثر مردم مبارز کردستان در آغاز و تداوم جنبش سراسری سال ۱۴۰۱ بوده و از طرف دیگر تجربه کردستان عراق و سوریه را نیز دارد که چگونه در شرایط ضعف حکومت مرکزی کردستان می‌تواند به سرعت از کنترل دولت مرکزی خارج شود، نگران تکرار چنین تجربه‌ای در کردستان ایران نیز می‌باشد. به ویژه آنکه تجربه سازماندهی و تشکیل شوراهای، کمیته‌ها، بنک‌ها به عنوان ارگانهای حاکمیت توده‌ای بعد از پیروزی قیام ۱۳۵۷ به عنوان دستاوردی گرانبها در خاطر مردم شهرهای کردستان به جا مانده است.

تشدید فضای سرکوب، افزایش شمار اعدامها و صدور احکام اعدام برای فعالین سیاسی کردستان بدون هیچ دلیل و مدرکی؛ دستگیری و احضار فعالین سیاسی و تهدیدهای آنان از سوی دستگاههای سرکوبگر امنیتی برای خودداری از برپایی و یا شرکت در اعتصاب و اعتراضات در شهرهای کردستان؛ اعمال فشار و همدستی با دولت مرکزی عراق و حکومت اقلیم کردستان برای خلع سلاح و انتقال اجباری اردوگاههای احزاب و جریانات اپوزیسیون کردستان ایران و محدود کردن هرچه بیشتر آنان، دلیل این ترس و نگرانی جمهوری اسلامی از وضعیت بحرانی خود

در داخل ایران است. جمهوری اسلامی از وجود ظرفیتهای مبارزه سیاسی، طبقاتی و اجتماعی نهفته در کردستان آگاه است و باید بداند اگرچه سیاست خلع سلاح و انتقال اجباری این اردوگاهها به کمپ های پناهندگی که حکومت اقلیم کردستان به بازوی اجرای آن تبدیل شده موجب خشم و ناراضی مردم کردستان ایران است، اما جنبشهای اعتراضی کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه در داخل با اتکا به نیروی خود و با اعتماد به نفس به مبارزه و تعرض خود به جمهوری اسلامی تا سرنگونی انقلابی این رژیم قرون وسطایی سرمایه داری اسلامی ادامه خواهند داد.

با توجه به سابقه و تجارب سیاسی چهار دهه گذشته، کردستان بستر مناسبی برای گسترش جنبش سوسیالیستی و رشد سیاست رادیکال و تعرض به جمهوری اسلامی است. جنبش انقلابی کردستان با نقش آفرینی کمونیست ها از ظرفیت بالایی در برپایی اعتراضات توده ای علیه کشتار کولبران؛ علیه حجاب اجباری؛ تلاش برای آزادی زندانیان سیاسی اعتراض علیه مزاحمتها و سلب آزادی شهروندان از سوی نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی برخوردار است. باید با بدست گرفتن ابتکار عمل از این ظرفیتهای به نحو احسن استفاده نمود.

ضروری است فعالین کومه‌له همراه با دیگر فعالین "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان" و سایر انسانهای سوسیالیست و رادیکال از هم اکنون با حضور فعال خود در همه عرصه‌های مبارزه اجتماعی، علیه فقر و فلاکت اقتصادی، علیه بیکاری، علیه تخریب محیط زیست، دفاع از حقوق کودکان، دفاع از معلمان و بازنشستگان، و غیره به شکل‌گیری اعتراض و تداوم اعتصاب و اعتراضات آنان کمک نمایند و یا خود ابتکار به راه انداختن آنرا بدست گیرند.

ضروری است از هر فرصتی برای تبلیغ و سازمان‌یابی شورایی و تشکیل شوراهای محل کار و زیست در میان توده‌های مردم کارگر و زحمتکش استفاده کنند. در شرایط کنونی تلاش بی وقفه برای ایجاد شوراهای، کمیته‌ها، بنک‌ها و دیگر نهادهای توده‌ای از پایین، توازن قوا را به نفع مبارزات کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده کردستان تغییر خواهد داد. کومه‌له به عنوان بستر اصلی جنبش سوسیالیستی در کردستان پیگیرانه تلاش می‌نماید در همکاری با دیگر نیروهای چپ و کمونیست در جنبش انقلابی کردستان و در پیوند با جنبش کارگری و دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی در ابعاد سراسری، جامعه کردستان را از این مرحله حساس عبور دهد. وجود چنین پتانسیل و ظرفیتهایی برای سازمان‌یابی شورایی در کردستان که گوشه‌ای از آن در جریان جنبش انقلابی ژینا خود را نشان داد، می‌تواند مانع تصرف قدرت از بالا و بدون دخالت کارگران و توده‌های مردم زحمتکش از

جنب احزاب و جریانات بورژوا ناسیونالیست پس از سرنگونی جمهوری اسلامی گردد. پلنوم در دستور جلسه مربوط به گزارش فعالیت تشکیلاتی ارگانهای کومه‌له، با استماع گزارش کار ارگانهای تشکیلاتی کومه‌له شامل: تکش (تشکیلات داخل شهرهای کردستان)، نشریه پیشرو و دیگر رسانه های تبلیغی، نمایندگی کومه‌له در خارج کشور، پروژه همکاری نیروهای چپ و کمونیست در کردستان، فعالیت رفقای مستقر در کردستان و کمیته رهبری به بحث و گفتگو پرداخت و با بر شمردن ضعفها و کمبودهای موجود، ملاحظات، انتقادات و پیشنهادات خود را در جهت ارتقاء فعالیت ها و رفع کمبودها ارائه داد.

در دستور جلسه مربوط به قرار و قطعنامه‌ها پیشنهادی، در رابطه با برگزاری کنگره ۱۹ کومه‌له، پلنوم هفتم کمیته مرکزی تصمیم گرفت که کنگره نوزدهم کومه له در تابستان سال ۱۴۰۴ برگزار گردد و کمیسیونی را برای تدارک سیاسی و تشکیلاتی آن انتخاب کرد. پلنوم هفتم در مبحث مربوط به آرایش و تقسیم کار، رفقای کمیته مرکزی را در ارگانهای مختلف رهبری سازماندهی کرد و در پایان کار خود با انتخاب یک کمیته رهبری نه نفره برای هدایت سیاسی تشکیلات در فاصله دو پلنوم، رفیق حسن شمس را به عنوان دبیر کمیته مرکزی کومه‌له انتخاب نمود.

کمیته رهبری کومه له - سازمان کردستان حزب

کمونیست ایران

۲۲ شهریور ۱۴۰۳

۱۲ سپتامبر ۲۰۲۴



تماس با
کمیته تشکیلاتی دلگال کشور
حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

009647710286193

0046760854015

004799895674

00436601195907

تماس با کمیته تشکیلات
دلگال کومه له (تکش)

takesh.komalah@gmail.com

سیاست فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی در قبال پناهندگان افغانستانی



طی ماههای اخیر و به دنبال تصویب تغییراتی در قانون جمهوری اسلامی در رابطه با "ورود و اقامت اتباع بیگانه"، وزارت کشور رژیم اسلامی موظف شده است تا ظرف یک ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون، نسبت به برخورد با کلیه اتباع غیر مجاز ساکن در ایران و استرداد آنها به کشور متبوع خود اقدام نماید. به این ترتیب در یک ماه گذشته همه نهادها و دستگاههای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی در همه شهرها بسیج شده‌اند، تا پناهندگان بی پناه افغانستانی را که از دست رژیم طالبان و از فقر و بیکاری و گرسنگی کشورشان را ترک کرده‌اند و بخشی از آنان به ایران آمده‌اند را با زور و تحقیر، توهین و ضرب و شتم دستگیر نمایند و آنها را به حکومت طالبان در افغانستان تحویل دهند.

حکومت اسلامی از مدتها پیش با تشدید تبلیغات نژادپرستانه و ضد انسانی تلاش کرده فضای جامعه را علیه پناهندگان افغانستانی آلوده و مسموم کند. کمپین تبلیغی، مهاجر ستیزی و تهمت و افترا علیه پناهندگان افغانستانی در شبکه‌های اجتماعی و روزنامه‌های رسمی جمهوری اسلامی افزایش چشمگیری داشته است. روزنامه "جمهوری اسلامی" (وابسته به باند اصولگرایان و خامنه‌ای) هفته گذشته، از دولت خواست که "به عنوان یک وظیفه ملی و با هدف تأمین امنیت جانی و مالی مردم به صورت ضربتی جلو هجوم افغانها و اخراج آنها به ایران را بگیرد؛ به مسئولین و دستگاههایی که در انجام این وظیفه تعلل می‌کنند، برخورد کرده و آنها را برکنار نمایند". هفته گذشته پاسدار احمد رضا رادان فرمانده نیروی انتظامی اعلام کرد که تا پایان سال جاری باید دو میلیون افغانستانی دستگیر و اخراج شوند.

در ادامه این رفتارهای ضد انسانی به پناهندگان افغانستانی، چند روز قبل استاندار تهران اعلام کرد که اتباع غیرمجاز در این استان از خدمات شهری و غیرشهری محروم می‌شوند. مقامات سایر استانها نیز حضور و اشتغال و اسکان افغانها را ممنوع اعلام کرده‌اند.

مدیرکل امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری فارس هفته گذشته اعلام کرد: "هر گونه سکونت، اشتغال مهاجران و تحصیل فرزندان آنها در این استان ممنوع و تخلف است. گروه بازرسی اداره کل امور اتباع و مهاجرین خارجی برای صاحبان مشاغل، مالکین منازل و مدیران مدارس که به این اتباع خدماتی از قبیل اشتغال، اجاره منزل و امکان تحصیل کودکانشان را فراهم کنند، پرونده تشکیل داده می‌شود و به دستگاه قضایی معرفی خواهند شد." تشدید رفتار ضد انسانی مقامات و کاربدستان جمهوری اسلامی به این انسانهای ستمدیده تا جایی بوده که برخی از استانداران و فرمانداران رژیم هم از شهروندان خواسته‌اند که مهاجران افغانستانی را از ارائه خدمات اجتماعی نیز محروم کنند. در استان کرمان دادستان "بردسیر"، درکمال بیشرمی حتی فروش نان به مهاجران افغان از سوی نانواییها را نیز ممنوع کرده است. در همین رابطه سر پاسدار اسکندر مؤمنی وزیر کشور دولت جهادی پزشکیان خواستار تسریع در اجرای روند پرهزینه دهها هزار دلاری انسداد مرز با افغانستان شد. این در حالی است که رژیم اسلامی با بحران مالی عمیقی دست به گریبان است و کارگران و دیگر اقشار تهی‌دست جامعه روزانه برای برآورد خواست و مطالبات خود به خیابانهای می‌آیند و علیه اوضاع وخامت‌بار زندگی خود دست به اعتصاب و اعتراض می‌زنند. اما رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به خواست و مطالبات آنان نیست.

پناهندگان افغانستانی که دهها سال است آواره شده و چنین مورد فشار و تحقیر قرار می‌گیرند، کشورشان افغانستان دارای منابع طبیعی زیر زمینی بسیار غنی و گرانهایی است. منابع و معادنی چون لیتیوم، اورانیوم، نفت، گاز، زغال سنگ، سنگ آهن، باریت (ماده مورد استفاده در حفاریهای نفت و گاز)، سنگهای طلا، یاقوت، زبرجد، لاجورد، ذخایر فلزی سبز، معادن صنعتی بنفش، ذخایر غنی آلومینیوم است. متأسفانه این کشور طی پنج دهه گذشته به میدان دخالت و تاخت و تاز دولتهای سرمایه داری جهانی و منطقه ای برای غارت آن منابع تبدیل شده است. از لشکر کشی و اشغال آن توسط روسیه در اواخر دهه ۵۰ گرفته، تا دخالت آمریکا و دیگر قدرتهای سرمایه داری و اشغال آن با تشکیل "لویی جرگه" و کمک به تشکیل گروههای ارتجاعی اسلامی و تا به قدرت رساندن طالبان در اواخر دهه ۷۰، و بازگرداندن این حکومت وحشی قرون وسطایی به قدرت در سال ۱۴۰۰، از جمله این دخالتگری ها بوده اند.

طی نیم قرن گذشته مردم ستمدیده افغانستان برای حفظ جان خود از شر جنگ و جنایاتی که قدرتهای سرمایه داری برایشان به ارمغان آورده‌اند به کشورهای دیگر از جمله ایران پناه برده‌اند. اما سهم آنان در آن کشورها علاوه بر تحقیر و توهین و سؤاستفاده، انجام کارهای شاق با دستمزدهای بسیار پائین بوده است. در بسیاری از موارد کارفرمایان و صاحب کاران با علم به اینکه کارگران افغان اجازه اقامت نداشته و از ترس اخراج جرأت اعتراض ندارند، دستمزدهای ناچیز آنان را نیز پرداخت نکرده‌اند. جمهوری اسلامی تا چند سال پیش با فریب و سؤاستفاده از جوانان و حتی کودکان افغانستانی، با وعده دادن حق اقامت به آنان، آنها را در جهت اهداف جنگ افزروانه و توسعه طلبانه خود در گردانهای لشکر "فاطمیون" سازمان داده و تحت عنوان ارتجاعی "دفاع از حرم"، آنها را به سوریه اعزام می‌کرد. متأسفانه بسیاری از آنان به گوشت دم توپ در جنگ با داعش و دیگر گروههای مسلح در سوریه تبدیل شدند. این رژیم ضد انسانی اینک آنانی را نیز که زنده مانده‌اند، اخراج می‌کند. علاوه بر آنها، جمهوری اسلامی برخلاف موازین سیاسی و حقوق بشری، زنان و مردان پناهنده سیاسی از اعضای سازمانهای سیاسی اپوزیسیون طالبان، روز نامه نگاران، فعالان مدنی و صنفی افغانستان را نیز اخراج کرده و جانشان را به خطر انداخته است. به گزارش منابع خبری مستقل افغان، متأسفانه تعدادی از آنان پس از اخراج از ایران، توسط رژیم جنایتکار طالبان دستگیر، زندانی، شکنجه و حتی اعدام نیز شده‌اند.

اما جمهوری اسلامی که با بحران عمیق اقتصادی و ورشکستگی مالی روبرو است، تلاش می‌کند با به راه انداختن کمپین های تبلیغی، حضور پناهندگان افغانستانی را عامل وجود بیکاری، گرانی، نا امنی، فساد و دزدی، آلودگی و دیگر بحرانهای درونی خود به جامعه معرفی کند. این در حالی است که این نه پناهندگان افغانستانی، بلکه رژیم فاسد ورشکسته جمهوری اسلامی است که با اتخاذ سیاستهای ضد انسانی در داخل و در سطح منطقه زندگی و امنیت مردم در ایران را به خطر انداخته است. تشدید اقدام به اخراج پناهندگان افغانستانی در واقع نشانه ترس و وحشت رژیم از حضور و وجود آنان در شرایط بحرانی و انقلابی کنونی است. شرایطی که در آن جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی عزم جزم کرده‌اند، به عمر نکبت بار این رژیم فاسد خاتمه دهند.



اعضا، هواداران و دوستان حزب کمونیست ایران و کومه‌له! مردم آزاده و مبارز!

ما برای ادامه کاری فعالیت هایمان به کمک مالی شما نیازمندیم! تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران با پشتیبانی و کمک مالی شما قادر خواهد بود با کیفیت بهتر و در شبکه‌های قابل دسترس تر، فعالیت هایش را در راستای اهداف سوسیالیستی برای تحقق زندگی ای شایسته انسان پیش ببرد! ما را در این راه یاری رسانید و به هر طریق و شکلی که برایتان مقدور است کمک های مالی خود را به تشکیلات های ما در هر محلی که هستید برسانید.



کمک مالی به
حزب کمونیست
ایران و کومه‌له

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به مناسبت آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳ - ۱۴۰۴

و مبارزه در مقابل تعرض برنامه‌ریزی شده رژیم اسلامی به دانشگاهها تبدیل شد، به رغم احضار، بازداشت و اخراج و پرونده‌سازی برای دانشجویان و اساتید مبارز، اعزام آخوند و بسیجی و روضه خوانها به دانشگاه، همچنان یکی از دژهای دفاع از دستاوردهای جنبش انقلابی جاری به شمار می‌آید. از این رو دانش آموزان لازم است در همانحال که از آموزگاران خود علاوه بر علم و دانش، فوت و فن سازمانیابی و اتحاد و مبارزه را نیز می‌آموزند، با درس گرفتن از تجربه با ارزش جنبش دانشجویی و مبارزات دانش آموزان در گذشته، در فکر ایجاد کانون ها، انجمن ها و شوراهای دانش آموزان باشند. جنبش های دانشجویی و دانش آموزی و معلمان بر متن تداوم جنبش انقلابی ژینا و در همبستگی با اعتصابات و اعتراضات کارگران، بازنشستگان، مبارزات سراسری پرستاران می‌توانند سیاست های امنیتی و ارتجاعی رژیم اسلامی در عرصه آموزش و پرورش را به عقب برانند و افق امید بخشی در پیش روی کل جامعه قرار دهند.

حزب کمونیست ایران ضمن تبریک آغاز سال تحصیلی جدید، از جان فشانی ها، مبارزات قهرمانانه و پر شور دانش آموزان، دانشجویان، معلمان و استادان انقلابی در یکسال گذشته صمیمانه قدردانی می‌کند، به معلمان و دانشجویانی که در پشت میله های زندان به سر می‌برند و دانش آموزانی که صدمه دیده اند و اکنون در میان جمع همکاران و همکلاسی های خود نیستند درود می‌فرستد و تلاش های آنان برای ایجاد همبستگی و اتحاد با جنبش کارگری و دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی را ارج می‌نهد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

شهریور ۱۴۰۳

سپتامبر ۲۰۲۴



است. با کالایی شدن آموزش، در حالی که آقا زاده ها و فرزندان سران و فرماندهان و کارگزاران رژیم از بهترین امکانات آموزشی برخوردارند، میلیون ها کودک و نوجوان و در میان آنان کودکان مهاجر افغانستانی به دلیل سیاست های ضد پناهندگی رژیم اسلامی از چرخه درس و مدرسه خارج شده و به ناچار در کارگاهها، کوره پزخانه ها و مزارع تن به کار بردگی مزدی داده تا سهمی در تأمین هزینه زندگی خانواده بر عهده بگیرند یا به خیل کودکان خیابانی بپیوندند.

به رغم بازتاب شکاف عمیق طبقاتی در نظام آموزشی و به رغم تداوم اخراج، انفصال از خدمت، بازنشستگی اجباری، تعقیب، زندان و تبعید معلمان و استادان مبارز و هزینه های کلانی که حکومت اسلامی سرمایه داران به پشتوانه دستگاه ایدئولوژیک، نهادهای امنیتی و استخدام هزاران طلبه حوزه علمیه بجای معلم صرف رواج افکار پوسیده و خرافات مذهبی و ضدیت با هر نوع آموزش علمی و فرهنگ پیشرو و انسانی کرده است، اما مبارزات معلمان علیه کالایی شدن آموزش و علیه سرکوب و بگیر و بندها و در دفاع از حق آموزش رایگان و امنیت و حرمت دانش آموزان و مبارزات آنان برای پیگیری مطالبات برحق شان تأثیرات عظیمی بر فضای مدارس و فضای سیاسی کل جامعه بجای گذاشته است. معلمان با تأکید بر خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و رفع تبعیض ها و افزایش حقوقها به بالای خط فقر و خواست منع کالایی شدن آموزش و درمان و بهداشت، در واقع پرچم خواستهای کارگران و تهیدستان شهری و اقشار فرودست جامعه را برافراشته اند. بدون شک گسترش همبستگی و حمایت اولیا و خانواده دانش آموزان با مبارزات معلمان می‌تواند نیرو و توان تازه ای به این مبارزات حق طلبانه ببخشد.

جنبش دانشجویی که با آغاز جنبش انقلابی ۱۴۰۱ در ابعاد کم سابقه و با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم" وارد کارزار شد، قوانین حجاب اجباری و تفکیک جنسیتی را زیر پا گذاشت و به یکی از کانون های داغ مقاومت



در آستانه بازگشایی مدارس، رسانه های حکومتی از افزایش ۲۰ درصدی قیمت نوشت افزار در مقایسه با سال گذشته و همچنین افزایش قیمت لباس دانش آموزان، بالا رفتن هزینه سرویس رفت و آمد و چند برابر شدن شهریه مدارس خیر می دهند. خانواده‌ها برای خرید نوشت افزار یک دانش آموز کلاس مقطع ابتدایی، خرید لباس فرم و یک شکل، پرداخت شهریه اجباری تحت عنوان کمک به مدرسه، هزینه سرسام آور سرویس رفت و آمد، باید میلیون ها تومان پرداخت کنند. این هزینه ها خانواده های کم درآمد که ۱۰ تا ۱۵ میلیون تومان دستمزد ماهانه دارند را با یک چالش جدی روبرو کرده است. حرف از مدارس خصوصی و هوشمند نیست که ده ها میلیون بابت کلاس های اضافی و فضای خلوت کلاس ها می‌گیرند.

حرف از مدارس دولتی است که ارائه خدمات آموزشی به دانش آموزان بارسنگینی بردوش خانواده های آنها نهاده است. این در حالی است که شهریه تمامی مقاطع ورودی به دانشگاهها نیز به میزان ۴۰ درصد نسبت به سال تحصیلی قبل افزایش یافته و در برخی از دانشگاهها این افزایش شهریه به ۱۰۰ درصد رسیده است. خانواده های کارگری و فرودستان جامعه که در نتیجه گسترش فاجعه بیکاری و افزایش سرسام آور قیمت ها برای تأمین حداقل های زندگی بشدت در مضیقه هستند، تأمین نیازمندی های تحصیل فرزندان برایشان به یک معضل واقعی تبدیل شده است. این واقعیات و آموزش و پرورش طبقاتی، شادی و شور و شوق کودکان در آغاز سال تحصیلی و درس و مدرسه را با نگرانی و غم و اندوه اولیای دانش آموزان به علت ناتوانی در تأمین این هزینه های سنگین توأم کرده

تحلیل حجاب اجباری به زنان، ابزار رژیم اسلامی سرمایه‌داران برای مطیع کردن نیمی از جامعه!

اعتصاب سیاسی کارگران نفت با شعار مرگ بر دیکتاتور برای حمایت از این خیزش انقلابی، حضور فعال و پیشرو دانشجویان صدها دانشگاه در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، نقش بی سابقه‌ی دانش‌آموزان، دخالت آگاهانه و سازمان‌یافته‌ی جوانان انقلابی در محلات کارگری و حاشیه‌ی شهرها، حمایت عملی جنبش‌های مطالباتی معلمان و بازنشستگان با شعار زن زندگی آزادی و همراهی عملی پرستاران با زخمی‌ها و آسیب‌دیدگان این خیزش، همراهی و حمایت هنرمندان و روشنفکران آزادی‌خواه و تبدیل شدن مبارزه‌ی زندانیان سیاسی به یک جنبش قاطع و سازش‌ناپذیر در برابر دستگاه سرکوب و خفقان جلوه‌های دیگری از دستاوردها و پیشروی‌های خیزش انقلابی ژینا بود. زنان و مردان آزاده با یاد آوردن این همه عظمت، سینه‌هایشان از احساس قدرت ستبر و سرهایشان از غرور و سربلندی برافراشته است. در حالیکه میلیون‌ها تن از زنان و مردان آزادیخواه خواست لغو حجاب اجباری را با جان‌بازی در کف خیابانها به استبداد مذهبی حاکم تحمیل کردند و همچنان این سنگر را حفظ کرده‌اند، چپ‌نماها خواست حجاب اجباری را یک خواست فردی لذت‌طلبی نام می‌گذارند. از نظر ایشان فقط خواست امامان جمعه و بسیجی‌ها و حزب‌اللهی‌های امر به معروف و نهی از منکر خواست اجتماعی نام می‌گیرد. آری! به ظاهر این بازوی تبلیغاتی جمهوری اسلامی کوچک شمردن جنبش زنان علیه حجاب اجباری را به بهانه‌ی دفاع از حق کنترل جامعه بر فرد توضیح می‌دهد و در اینجا گشت ارشاد و دیگر نهادهای سرکوب به عنوان نماد اراده‌ی جمع، و مبارزات آزادی‌خواهانه‌ی میلیون‌ها زن در ایران به عنوان نماد اراده‌ی فرد معرفی می‌شود. طوفان خنده‌ها! مضحک‌تر این است که همه‌ی این وارونه‌نمایی‌ها با نقاب مارکسیسم و تحریف افکار و اندیشه‌های آموزگاران جهانی طبقه‌ی کارگر صورت می‌گیرد.

میان دو حق، حق با کیست؟ زور تعیین می‌کند که حق با کیست! حاکمیت از طریق سرکوب زنان، سرکوب اکثریت ستم‌دیدگان و استثمارشدگان اجتماع را اعمال می‌کند. اگر رهایی جامعه در گرو رهایی زنان است پس سرکوب کل جامعه نیز مستلزم سرکوب نیمی از جامعه

چپ‌نماهای محور مقاومتی علیه خیزش انقلابی ژینا به راه انداخته‌اند، بخش مهمی از مبارزه‌ی سیاسی علیه جمهوری اسلامی و سرمایه‌داری حاکم بر ایران است. واضح است که محور مقاومتی‌ها برای این پیشبرد این تبلیغات، ادبیات سوسیالیستی را به لجن کشیده‌اند و مواضع کمونیستی و کارگری را به تحریف کشانده‌اند. این بازوی تبلیغاتی رژیم برای بی اعتبار کردن خیزش انقلابی ژینا ابتدا تلاش می‌کند که مترسکی مضحک را به جای خود خیزش انقلابی جا بزند، سپس در یک جنگ زرگری با شمشیر چوبین‌اش به جان این مترسک خودساخته می‌افتد و به حساب خود خیزش انقلابی را با خاک یکسان کرده است. زهی خیال باطل!

این جریان ساختگی که ردای دروغین مارکسیستی بر تن می‌کند با همان ادبیات ارتجاعی پدرهای معنوی‌شان - یعنی آخوندها - خیزش انقلابی ژینا را رقص و قر کمر خیابانی و بی بند و باری طبقه‌ی متوسطی نام می‌گذارد، که به دنبال منافع و لذایذ خصوصی و فردیت‌های منفک از جامعه روانه شده است. اما چنین موضعی از احساس عمیق حقارت و استیصال در مقابل شهامت زنان نشأت می‌گیرد. اگر دولت نژادپرست اسرائیل در رقابت ارتجاعی‌اش با تروریست‌ها جمهوری اسلامی اسماعیل‌هنیه را در قلب تهران هدف قرار می‌دهد و این رقیب منطقه‌ای‌اش را تحقیر می‌کند، زنان آزاده نیز دو سال پیش با زیرپا گذاشتن حجاب اجباری و سر دادن شعار «نه روسری نه توسری آزادی و برابری» در جریان روسری سوزان‌های خیابانی، اقتدار پوشالی محور کذایی مقاومت را در صدها شهر و دانشگاه و مدرسه‌ی کشور تحقیر کرده و هست و نیست ساختار ایدئولوژیک حاکم را لگدمال کردند. اگر جنگ ارتجاعی قدرت‌های منطقه ربطی به منافع کارگران و زحمت‌کشان ندارد و به اشکال مختلف زندگی و مصالح اکثریت ساکن در خاورمیانه را در آتش قدرت طلبی دیکتاتورها می‌سوزاند، اما مبارزه‌ی زنان خاورمیانه برای رهایی از چنگال استبداد سرمایه‌داری حاکم بر فلسطین و اسرائیل و افغانستان و ایران و ترکیه و عربستان و دیگر کشورهای منطقه بخشی از مبارزه‌ی رهایی بخش ما کمونیست‌ها برای بنیاد نهادن دنیای آزاد و برابر است. با این حال واقعیت این است که برداشتن حجاب اجباری تنها یکی از جلوه‌های شکوهمند خیزش انقلابی ژینا بود.



شهریور ۱۴۰۳ دومین سالگرد خیزش انقلابی ژینا فرا رسید. خیزش انقلابی ژینا که طولانی‌ترین و گسترده‌ترین خیزش انقلابی برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی در تاریخ ۴۵ ساله‌ی به قدرت رسیدن ضد انقلاب حاکم بوده و به اعتراف خود حکومت خطرناکترین اعتراضات سراسری برای پایان دادن به عمر ننگین رژیم اسلامی بوده است، دستاوردهای بازگشت‌ناپذیری داشت. دستاوردهایی که همچون یک سنگر فتح شده علی‌رغم از سر گذراندن سرکوب خونین همچنان حفظ شده‌اند. یکی از این دستاوردها برچیدن حجاب اسلامی در بسیاری از اماکن عمومی ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. ارتجاع اسلامی که تاکنون در مقابل این پیشروی جنبش توده‌ای زنان ۲۲ ارگان و نهاد کنترل‌کننده‌ی حجاب و عفاف با بودجه‌های کلان از جمله گشت ارشاد و گشت‌های منفور نور را برپا کرده با شکست تحقیر آمیزی مواجه شده است. بنابراین علاوه بر سرکوب سخت، سرکوب نرم را از طریق تحقیر حرکت‌های اعتراضی زنان و بی اعتبار کردن جنبش عظیم زنان آزاده علیه حجاب اجباری را در دستور کار قرار داده است. جمهوری اسلامی که به خوبی می‌داند هیچ گونه مشروعیتی در جامعه ندارد و گوش مردم بدهکار هیچکدام از تبلیغات و اتهامات و حرف‌هایش نیست، برای پیشبرد این سیاست‌های سرکوبگرانه‌ی خود جریانات ساختگی‌ای بوجود آورده است تا از آن‌ها به عنوان بلندگوی تبلیغاتی استفاده کند. یکی از این جریانات ساختگی که به صورت اختصاصی برای فاسد کردن جنبش کمونیستی و چپ اجتماعی بوجود آمده است، جریان چپ‌نمای محور مقاومت است. به همین دلیل افشای تبلیغاتی که

سایت تلویزیون کومه له

www.tvkomala.com



سایت کومه له

www.komalah.org



سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



از سایت‌های حزب

کمونیست ایران

و کومه له

دیدن کنید!

غیربهداشتی بودن و خطرناک بودن مراکز زیر زمینی سقط می‌کنند. این وقایع نه تنها نتیجه‌ی بحران‌های اقتصادی حاکم بلکه همزمان حاصل شکست الگوهای اخلاقی و فرهنگی نظام ارزشی جمهوری اسلامی در اعماق جامعه است. شکستی که در جریان خیزش انقلابی ژینا توسط جوانان محلات شهری و مجتمع‌های مسکونی، دانشجویان و دانش‌آموزان و زنان آزاده به نمایش جهانیان درآمد. و این روندی است که علی‌رغم موانع و سرکوب‌ها به پیشروی توقف‌ناپذیر خود ادامه می‌دهد. ابعاد دهن کجی جامعه و بالاخص زنان و جامعه‌ی LGBTQ به فرهنگ و سیاست‌های اسلامی در ایران حتی در شرایط عادی بسیار وسیع‌تر از اینهاست. پدیده‌هایی همچون ازدواج سفید، بی‌توجهی به سنت‌های ارتجاعی در مورد روابط خصوصی بین زن و مرد و اظهار علنی و اعلام حضور ترنس‌ها تنها نوک قله‌ی کوه یخ عظیم پیشروی‌های اجتماعی است که علیه فرهنگ اسلامی حاکم به صورت نامرئی در حال رشد است. به محض آنکه دیوارهای اختناق ترک بردارد تصویر واقعی جامعه‌ی ایران و شکست همه‌جانبه‌ی ضد انقلاب اسلامی برای جهانیان به نمایش درمی‌آید.

اکنون بیابید به موضوع حق کنترل اجتماع بر رفتارها و حرص و آز فردی برگردیم. ما کمونیست‌ها زمانی از حق کنترل جمع بر فرد دفاع می‌کنیم که رفتار و عملکرد فرد حق و حقوق دیگر افراد دور و برش را زیر پا می‌گذارد، این حق کنترل مشخصاً در مورد زندگی اقتصادی انسانها و استثمار انسان به دست انسان متجلی می‌شود که هیچ ربطی به کنترل‌های حکومتی بر زندگی خصوصی انسانها ندارد. دولت بورژوازی جمهوری اسلامی از یکطرف سعی می‌کند بیشترین کنترل‌ها را بر زندگی شخصی، روابط خصوصی افراد، عشق، خانواده و شیوه‌ی پوشش انسانها اعمال کند و کلیه‌ی قدرت‌های فکری و اخلاقی فرد را به انقیاد خود درآورد. این کنترل‌ها البته در عمل فقط برای طبقه‌ی استثمار شده کارایی دارد، کنترل دولتی از آنجایی که خودش فاسد است راههای تزویر و ریاکاری - ریاکارانه‌ی چه نوع از مذهبی چه از نوع مدنی - را برای طبقه‌ی حاکم باز می‌گذارد تا از این قید و بندها آزاده نشود. از طرف دیگر همه‌ی این هیاهوها بر سر ضرورت کنترل تمام و کمال اجتماع بر فردیت - که خود را در هیأت کنترل دولتی نشان می‌دهد - درست زمانی که به حوزه‌ی اقتصاد نزدیک می‌شود، رنگ می‌بازد. بورژوازی ادعا می‌کند باید از شر هر گونه کنترل بر زندگی اقتصادی استثمارگران و مالکیت خصوصی تقدیس شده خود را رها کرد تا از نابودی فردیت انسانها به دست کنترل جهان‌شمول جلوگیری نمود. دفاع بورژوازی از فردیت فقط در دفاع از فردیت استثمارگران برای استثمار بی حد و حصر معنی پیدا می‌کند. تزویر و ریاکاری بورژوازی و نوکرانش تمامی ندارد. از یکطرف کنترل دولتی و

می‌کند، فقط دستمزد پایین‌شان نیست، بلکه به خاطر تسلیم‌پذیریشان نیز هست.» تحمل حجاب اجباری بخشی از سیاست سرکوب و مطیع کردن زنان است. زنان مستقل و آزاد به آسانی تسلیم نظام سرکوب و ستم و استثمار نمی‌شوند به همین دلیل حکومت‌ها سعی می‌کنند هر گونه استقلال یا حق آزادانه زیستن را از زنان سلب کنند. همان منطق سرکوبگری که به زور از زنان می‌خواهد حجاب بر سر کنند، همزمان به زور از آن‌ها می‌خواهد که هر موقع لازم شد زود به زود بچه بزنند، در خانه به عنوان همسر نیازهای جسمی و عاطفی همسران کارگزارانشان را به رایگان تامین کنند و آن‌ها را سرحال و قیراق روانی کارخانه و مراکز خدماتی نمایند، هر زمان لازم شد همچون نیروی کار ارزان قیمت وارد بازار کار شوند و به رقبای ارزان



قیمت مردان هم طبقه‌ای‌شان تبدیل شوند، به کالاهای جنسی در بازار تبلیغات مبدل شوند، در صنعت تن فروشی رسمی و غیر رسمی و صیغه‌های اسلامی تولید سود کنند، در جنگ‌های سرمایه‌دارانه تجاوز را تحمل نمایند و به نماد پیروزی طرف‌های درگیر تبدیل گردند و با چادر و برقع به ابزار تبلیغاتی اسلامی‌ها برای ترویج فرهنگ پر از تزویر حجاب و عفاف مبدل شوند. آری هم سرمایه‌داری مذهبی هم سرمایه‌داری لائیک به خوبی می‌دانند که زنان هر چقدر مطیعتر و تسلیم‌تر باشند بهتر می‌توان از هستی‌شان بهره‌برداری کرد بنابراین هر کدام به روش‌های خودشان زنان را به اطاعت مطلق وامی‌دارند. تحقیر و کوچک شمردن مبارزه‌ی زنان برای لغو حجاب اجباری به سرمایه‌داری کمک می‌کند تا به همه‌ی اشکالی که توضیح دادیم از زنان بهره‌برداری نماید. اما نه این ابزارهای سرکوب‌نرم و نه سرسختانه‌ترین ابعاد سرکوب‌های گازانبری از جمله حملات شیمیایی، کشتار خیابانی، شلاق و اعدام و زندان هیچکدام برای حکومت موفقیتی به ارمغان نیاورده است. کلیه‌ی تبلیغات و سیاست‌های رژیم اسلامی برای بالا بردن نرخ ازدواج جوانان و فرزندآوری زوج‌های جوان با شکست کامل مواجه شده است. طبق آمارهای خود رژیم از هر پنج ازدواج سه ازدواج در همان چند سال اول به طلاق می‌انجامد و خانواده‌ها نه تنها از فرزندآوری پرهیز می‌کنند بلکه بارداری‌های ناخواسته را نیز با وجود ممنوعیت سقط جنین و

مطیع کردن زنان خواهد بود. سیاست‌های حاکمیت ارتجاعی جمهوری اسلامی علیه زنان تنها حفظ حجاب اجباری محدود نمی‌ماند، تن دادن به ازدواج اجباری، کودک همسری، تسلیم شدن در برابر مرد سالاری و پدر سالاری، تبدیل شدن به کلفت‌ها و کارگران بی‌مزد خانگی، تبدیل شدن به ماشین‌جوجه‌کشی و هر کجا لازم شد به صیغه درآمدن مشمول این سیاست‌ها می‌شود؛ و برای تحمیل این سیاست‌ها لازم است اراده‌ی فردی لباس پوشیدن را نیز از زنان سلب کند تا آن‌ها را به اطاعت تمام و کمال در برابر ساختار ستم جنسیتی وادارد. همان قدرتی که با اتکا به زور زنان پرستار را مجبور می‌کند مقنعه بر سر کنند، چادر بر سر زنان معلمان می‌اندازد، زنان کارگر را مجبور می‌کند در کارخانه حجابشان را رعایت کنند و اجازه نمی‌دهد لحظه‌ای روسری از سر زنان زحمتکش در مزارع و دستفروشی‌های کنار خیابان و منشی‌ها و فروشندگان مغازه‌ها و مطب‌ها برداشته شود، با اتکا به همین زور زنان کارگر و مزدبگیر را ناچار می‌کند در برابر بی‌حقوقی‌های مختلف و دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر گردن کج کنند. آن قدرتی که جلوی دهان روشنفکران و منتقدان را می‌گیرد، سایه‌ی زندان و شکنجه و اعدام را بر سر زندانیان سیاسی می‌گستراند و باتوم سرکوب بر فرق معترضان خیابانی می‌کوبد همان دیکتاتوری است که فقر و فلاکت بی‌سابقه را به طبقه‌ی کارگر ایران تحمیل کرده است. نام این قدرت حاکم دیکتاتوری سرمایه و حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی است. زنان و دیگر آزادی‌خواهان ایران به هر میزانی که بتوانند دیکتاتوری حاکم را عقب برانند، به همان درجه قادر هستند به آزادی‌های دمکراتیک و حق و حقوق اقتصادی دست یابند. جدال بر سر حفظ یا لغو حجاب اجباری بخشی از جدال حاکمیت با نیمه از جامعه برای سرکوب و مطیع کردن کل جامعه است. مبارزه‌ی زنان برای لغو حجاب اجباری بخشی از مبارزه برای حق کنترل بر بدن است. زنان با مطالبه‌ی حق کنترل بر بدنشان تلاش می‌کنند خودشان را از نقش رحم‌های اجاره‌ای تولید نیروی کار برای سرمایه‌داری رها کنند و اجازه ندهند نیروی کار جسمانی‌شان به عنوان کارگر ارزان و توسری‌خور در کارخانه، یا همچون مادران محجوب و مشغول به کار پرداخت نشده‌ی خانگی در چهارچوب منزل زایل شود. این در حالی است که چپ‌نماهای محور مقاومت برای خدمت به استثمارگران ضد زن حاکم، حق کنترل زنان بر بدنشان را یک مطالبه‌ی بورژوازی معرفی می‌کنند و عملاً در صف ارتجاع اسلامی نیز لانه خوش می‌کنند. سرمایه‌داری در همه جای دنیا روی زنان مطیع و ارزان حساب و ویژه باز کرده است و به کمک این سیاست تلاش می‌کند دستمزد کل طبقه‌ی کارگر را به حد اقل برساند. کلارا زتکین یکی از رهبران زن جنبش کمونیستی در این مورد می‌نویسد: «آن چیزی که کارگران زن را برای سرمایه‌داران جذاب

فقداری دیگری بوده، مرعوب و محاکمه شده است و برای آن-که ذهن و قلب او را به حرکت درآورد نیازمند روش خاص و زبانی هستیم که به‌عنوان زن برایش قابل فهم باشد. کارگران در آغاز از این ایده که زن در این دنیای پر از استثمار و عاری از حقوق نه فقط به عنوان فروشنده نیروی کارش بلکه به عنوان مادر و زن نیز تحت استثمار است، استقبال نکردند. باین-حال وقتی حزب سوسیالیست کارگران متوجه این نقص شد، جسورانه به دفاع از زنان، هم در مقام کارگر و هم در مقام زن و مادر پرداخت. سوسیالیست‌های همه کشورها خواستار حمایت ویژه‌ای از زنان کارگر شدند؛ بیمه مادر و فرزند، حقوق سیاسی برای زنان و دفاع از منافع‌شان از جمله این حمایت‌ها بود. هر قدر حزب کارگران همراه زنان کارگر این هدف ثانویه را بهتر درک کرد، زنان با میل بیش-تری به حزب پیوستند و حزب را مدافع واقعی خود دانسته و فهمیدند که طبقه کارگر برای نیازهای ضروری و انحصاراً زنانه‌ی آن-ها هم در حال مبارزه است. خود کارگران زن آگاه و متشکل هم تلاش زیادی برای روشنی این هدف انجام داده‌اند. اکنون بار اصلی جذب کارگران زن به جنبش سوسیالیستی بر عهده خود زنان است. احزاب همه کشورها، اینک کمیته‌ها و دبیرخانه‌ها و دفاتر خاص مربوط به زنان دارند. این کمیته‌های زنان در بین جمعیت زیادی از زنان ناآگاه سیاسی فعالیت کرده، آگاه و متشکل‌شان می‌کنند. آنان هم-چنین از نزدیک به بررسی مسائل و مطالبات مربوط به زنان می‌پردازند. از جمله: حمایت و تأمین مادران باردار یا شیرده، اصلاح قانونی کار زن، راه اندازی کارزار علیه فحشا و مرگ کودکان، مطالبه حقوق سیاسی برای زنان، بهبود وضعیت مسکن، کارزار علیه هزینه بالای معیشت و غیره. بدین ترتیب زنان کارگر به عنوان اعضای حزب، علاوه بر آن-که در حال مبارزه برای جنبش طبقاتی مشترکی هستند، نیازها و مطالباتی را که ایشان را به عنوان زنان، همسران در خانه و مادران هم متأثر می-کند برجسته و مطرح می‌کنند. حزب از این مطالبات حمایت می-کند و برای آن می-جنگد، نیازهای کارگران زن بخش جداناپذیری از جنبش مشترک کارگری است.» بر همین اساس وجود کمیته‌های مستقل زنان در جنبش‌های مطالباتی معلمان، بازنشستگان و پرستاران نه تنها خللی در وحدت طبقاتی ایجاد نمی‌کند، بلکه بستر را برای کمک به حضور فعالانه و هر چه توده‌ای‌تر زنان در مبارزات سازمان‌یافته و کمک به رشد آگاهی سیاسی-طبقاتی و پرورش کادر در صفوف زنان فراهم می‌کند و از این طریق به کلیت این جنبش‌ها یاری می‌رساند. در این میان ایجاد کمیته‌های مستقل زنان در صفوف احزاب کمونیستی و صف متحد شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست نیز ضرورت دارد.

کنیم». چپ‌نماهای محور مقاومتی نه تنها از حق کنترل اجتماع کارگران هفت تپه بر فردیت کارفرمای حکومتی و یکی از کاسبان تحریم دفاع نکردند، بلکه رهبران این حرکت کارگری را به سبک و سیاق دستگاه‌های تبلیغاتی و نیروی سرکوب جمهوری اسلامی به وابستگی به دولت‌های امپریالیستی و جاسوسی برای غرب متهم م. ک. دند. بعکس آنچه که دستگاه‌های تبلیغاتی رژیم



اسلامی می‌گویند آزادی پوشش و دیگر آزادی‌های فردی هرگز اجتماع انسانی را به خطر نمی‌اندازد، تنها تزویر و ریاکاری حاکم بر آن را از بین می‌برد و یکی از ستم‌های چندگانه‌ی حکومت سرمایه‌داری بر جامعه‌ی انسانی را هدف قرار می‌دهد. در مقابل از طریق اعمال کنترل بر زندگی اقتصادی سرمایه‌داران می‌توانیم فردیت هر انسانی را از کنترل بازار و نیروهای خارج از کنترل و اراده‌ی اکثریت جامعه رها کنیم.

اما پیشروان کارگری و انقلابیون سوسیالیست برای آنکه بتوانند جنبش‌هایی زن را از تبدیل شدن به زانده‌ی فمینیسم بورژوازی و سلطه‌ی جریان‌های سیاسی لیبرالیسم دور نگه دارند و همزمان این جنبش را به جنبش مبارزه برای رهایی انسان استثمار شده به رهبری طبقه کارگر پیوند بزنند، لازم است تشکلهای توده‌ای زنان را با اتکا به اردوی کار و زحمت در کارگاه و کارخانه و مزرعه و محلات حاشیه‌ی شهرها سازماندهی کنند. زنان با برچیدن موانع ورود به عرصه‌ی فعالیت اقتصادی و کسب استقلال اقتصادی وابستگی خود به نظام مرد سالار را کاهش می‌دهند. بعلاوه استقلال در تشکلهای یکی دیگر از افق‌های جنبش زنان است. جبران ستم مضاعف و جبران صدها سال عقب راندن عامدانه‌ی زنان از ایفای نقش در جامعه و مبارزه‌ی خود زنان برای رهایی از خفقان و خروارها آوار مردسالاری و سرمایه‌داری، استقلال تشکیلاتی و داشتن توجهی ویژه به توده‌ی زنان ستم‌دیده را ضروری می‌سازد. الکساندر کولونتای یکی دیگر از رهبران زن در جنبش کمونیستی درباره‌ی اهمیت تشکلهای مستقل زنان می‌نویسد: «برخی می‌پرسند چرا باید زنان کارگر را جدا کرد؟ چرا باید (روز خاص زنان) داشت؟ طبقه کارگر در آغاز متوجه نبود که زن کارگر محروم‌ترین عضو طبقه از حیث حقوقی و اجتماعی است و قرن‌هاست که تحت

نیادهای قدرت بر خصوصی‌ترین مسائل افراد، تعهد اجتماعی و پاسداری از ارزش‌های اجتماع نام می‌گیرد و از طرف دیگر همین که اعمال کوچکترین کنترل بر پروسه‌ی استثمار مطالبه می‌شود، فریاد ای داد و بیداد سر می‌دهند که فردیت انسانها را از بین نبرید. بورژوازی کنترل حکومتی برای دفاع از نهاد خانواده و تولید نیروی کار، کنترل نیروهای عشقی و اخلاقی انسانها برای بالا بردن بهره‌وری کار کارگران و کنترل بر خصوصی‌ترین رفتار و کردار انسانها برای اعمال دیکتاتوری طبقه‌ی حاکم را برای خود محفوظ نگه می‌دارد اما اجازه‌ی هیچ سطحی از کنترل کارگری بر روابط اقتصادی و مالکیتی حاکم بر مراکز تولیدی، مراکز خدماتی یا شهرها و محل زیست کارگران را برای این طبقه‌ی ستم دیده و استثمار شده را به رسمیت نمی‌شناسد. کنترل و نظارت مستقیم کارگری بر امور تولید، توزیع، انبارداری، خرید و فروش تمامی کالاها، اسرار معاملاتی سرمایه‌داران، اسرار مربوط به وام‌های بانکی، مواد خام، دخل و خرج و سود و زیان کارخانه و دفاتر حسابرسی، ترازنامه‌ی مالی، سرمایه‌گذاری‌های جدید، پرداخت ارز دولتی در پشت پرده به مالکان کارخانه، نحوه‌ی واگذاری سهام، استخدام یا اخراج کارگران و سازماندهی کار در مراکز تولیدی، دستمزد کارگران، ساعات کار، حقوق مدیران، جریمه، پاداش، ترفیع رتبه و امکانات رفاهی به وسیله‌ی خود کارگران و تشکلهای مستقلی که تشکیل داده‌اند در واقع آن شکل از کنترل اجتماعی کارگران بر فردیت مالک کارخانه است که ما از آن دفاع می‌کنیم. کارگران با این مطالبه‌ی انتقالی، راههای مدیریت قدرت‌گیری کارگران در کارخانه را تمرین می‌کنند، اعتماد به نفس، تجربه و آمادگی لازم را به دست می‌آورند، توجیه‌ها و تزویرهای مبتنی بر ضرردهی و بحران تولید با هدف اخراج کارگران را نقش بر آب می‌کنند، ثقل و سرعت سرمایه‌داران را رو می‌کنند، پرده از اسرار و کلاهبرداری‌ها برمی‌دارند و در نهایت آگاهی ضدسرمایه‌داری کارگران را رشد می‌دهند.

کارگران ایران در سالهای گذشته بارها در نیشکر هفت تپه و نساجی به‌شهر شعار به دست گرفتن تولید به دست خود کارگران در مقابل طرح فروش کارخانه توسط خانه کارگر مطرح کرده‌اند. اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت تپه در سخنرانی ۱۷ آبان ۱۳۹۷ خواستار آن شد که کلیه‌ی امور مربوط به کارگران و کارخانه را به مجمع نمایندگان بسپارند: «هفت تپه کاملاً به دست کارگران اداره شود. کمیته‌ای تشکیل خواهیم داد و شورایی هفت تپه را اداره می‌کنیم. نگران نباشید. تمام تخصص‌ها را داریم. مگر تا امروز چه کسی هفت تپه را اداره کرده؟ اعتماد به نفس داشته باشید. به خود ایمان داشته باشید. می‌توانیم هفت تپه را خودمان اداره بکنیم. این آرزوی من است که روزی بتوانیم هفت تپه را خودگردان اداره

فراخوان کومه له به اعتصاب عمومی در ۲۵ شهریور دومین سالروز جنبش

انقلابی ژینا

های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی تبدیل کنید. با اعتصاب عمومی و حضور بر مزار جانباختگان یاد ژینا امینی و کلیه جانباختگان جنبش انقلابی سراسری و دستاوردهای این جنبش را گرامی بداریم؛

به رژیم جمهوری اسلامی اعلام کنیم که باید تعقیب و بگیر و ببند و پرونده سازی علیه فعالین جنبش های اجتماعی را پایان دهد؛

اعلام کنیم که زندانیان سیاسی در کردستان و سراسر ایران آزاد باید گردند؛

یکصدا و مصمم اعدام زندانیان را محکوم کنیم و خواهان لغو مجازات اعدام شویم.

مردم مبارز کردستان!

با اعتصاب عمومی در روز یکشنبه ۲۵ شهریور یکبار دیگر عزم راسخ خود را برای ادامه مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، پایان دادن به تبعیض و نابرابری ها و اتحاد و همبستگی با جنبش انقلابی و سراسری مردم ایران برای سرنگونی این رژیم جنایتکار اعلام کنید. مردم مبارز کردستان با تجارب ارزشمندی که در مبارزه با رژیم اسلامی به دست آورده اند، با برگزاری این اعتصاب عمومی در سالروز قتل حکومتی مهسا امینی برگ دیگری از تاریخ پرشکوه مقاومت و مبارزات خود را ورق خواهند زد و نشان می دهند که هرگز جانباختگان خود را فراموش نکرده و برای دستیابی به خواسته های انقلابی خود پیگیرانه به مبارزه ادامه خواهند داد.

کومه له از کارگران و مردم مبارز سراسر ایران و از فعالین جنبش های اجتماعی می خواهد به هر شکلی که می توانند دومین سالروز آغاز جنبش انقلابی سراسری را گرامی بدارند و از اعتصاب عمومی و یکپارچه مردم کردستان پشتیبانی کنند. گرامی باد یاد جانباختگان جنبش انقلابی ژینا

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

زنده باد حاکمیت شورایی مردم در کردستان

کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست

ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۳

۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴

ویژه در کردستان می خواهد مأموریت دولت رئیسی را به انجام رسانده و جامعه ایران را به قبل از آغاز جنبش انقلابی ژینا بازگرداند. در این تردیدی نیست که کارگران، پرستاران، معلمان، بازنشستگان و زندانیان سیاسی با تداوم جنبش اعتصابی و اعتراضی خود در همبستگی با دیگر جنبش های پیشرو اجتماعی در سراسر ایران سیاست تهاجم بازدارنده دولت پزشکیان را نیز به



شکست خواهند کشاند.

مردم ستمدیده و مبارز کردستان که از همان آغاز جنبش انقلابی ژینا با فریاد "زن، زندگی، آزادی" و "مرگ بر خامنه ای" و در ادامه با به شکست کشاندن مفتضحانه نمایش های انتخاباتی رژیم در کردستان صحنه های باشکوهی از اتحاد و همبستگی با جنبش سراسری را نشان دادند، مردم مبارزی که مراسم یادبود و گرامیداشت جانباختگان خود را نیز به نماد اتحاد و مبارزه علیه این رژیم جنایتکار و قوانین اسلامی آن تبدیل کردند، می توانند نقش برجسته ای در به شکست کشاندن استراتژی و سیاست های سرکوبگرانه حکومت اسلامی ایفا کنند.

اینک در آستانه دومین سالروز قتل حکومتی ژینا و آغاز جنبش انقلابی سراسری، و در حالی که تلاش های گسترده ای از جانب جوانان انقلابی در محلات شهرهای مختلف، تشکل های دانشجویی و نهادها و فعالین عرصه های مختلف فعالیت اجتماعی در شهرهای کردستان و سراسر ایران برای گرامیداشت این روز در جریان است، کومه له، همگام با این تلاش ها، کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان را به اعتصاب عمومی در روز یکشنبه ۲۵ شهریور فرا می خواند. روز ۲۵ شهریور را به نماد اتحاد و همبستگی و به نماد عزم راسخ برای پیگیری اهداف جنبش انقلابی ژینا و برای به شکست کشاندن سیاست

مردم مبارز و آزادیخواه کردستان!

زنان و مردان کارگر و زحمتکش!

اکنون در آستانه ۲۵ شهریور دومین سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفته ایم. در شهریور ماه ۱۴۰۱ شعله های آتش خشم و اعتراض توده های مردم کردستان علیه این جنایت و قتل حکومتی به سرعت سراسر ایران را در بر گرفت.

در طول دو سال گذشته کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان همگام و همدوش با زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و توده های به جان آمده از رژیم جمهوری اسلامی در سراسر ایران

به رغم فراز و فرودهای جنبش انقلابی ژینا در مبارزه علیه جنایات و سرکوبگری های این رژیم از هیچ فداکاری و تلاشی دریغ نکردند. مردم مبارز کردستان در اقدامی سیاسی و هماهنگ و شکوهمند با مردم سراسر ایران از یازدهم اسفند سال گذشته تا کنون سه بار مهر عدم مشروعیت

به پیشانی جمهوری اسلامی کوبیدند. مردم کردستان مضحکه های انتخاباتی حکومت اسلامی را به فراندند نه به کلیت جمهوری اسلامی تبدیل کردند. مردم کردستان همراه با مردم سراسر ایران با به شکست کشاندن نمایش های

انتخاباتی جمهوری اسلامی بحران و کشمکش باندهای درون حکومت را تشدید کرده و نشان دادند که جنبش انقلابی ژینا برای سرنگونی این رژیم و برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی، تبعیض های جنسیتی و ملی و دیگری حقوقی

های سیاسی و اجتماعی ادامه دارد.

کابینه ابراهیم رئیسی با به گلوله بستن سینه معترضان در کف خیابان، با کور کردن چشم ها، با حمله شیمیایی به مدارس، با تعرض سازمان یافته به دانشگاهها، با تلاش برای ایجاد تفرقه بین جنبش انقلابی کردستان و جنبش سراسری، با

اعلام جنگ سراسری علیه زنان برای تحمیل حجاب اجباری نتوانست زنان و مردان آزادیخواه و مردم بیخاسته ایران را مرعوب کند. اکنون پزشکیان رئیس جمهور ذوب شده در ولایت در رأس کابینه جهادی خامنه ای در حالی که ضعف و درماندگی خود در مقابله با تعرض تحقیر آمیز

دولت اسرائیل را به عناوین مختلف توجیه می کنند، اما با تشدید سرکوب و به راه انداختن موج بگیر و ببند فعالین جنبش های اجتماعی و با به راه انداختن موج اعدام ها در سراسر ایران و به

حمایت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

از فراخوان اعتصاب عمومی در ۲۵ شهریور

در دومین سالروز جنبش انقلابی شهریور ۱۴۰۱

نماد اتحاد و همبستگی و به نماد عزم راسخ برای پیگیری اهداف جنبش انقلابی ژینا و برای به شکست کشاندن سیاست های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم و در سراسر ایران و خارج کشور به هر شکل ممکن همبستگی مبارزاتی مان را نشان دهیم. در این روز، ضمن گرامیداشت جانباختگان جنبش انقلابی ۱۴۰۱، روی پایان دادن به تعقیب و بگیر و ببند و پرونده سازی علیه فعالین جنبش های اجتماعی، آزادی زندانیان و لغو مجازات اعدام از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پای می فشاریم. سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

های گسترده ای از جانب جوانان انقلابی در محلات شهرهای مختلف، تشکل های دانشجویی، نهادها



و فعالین عرصه های مختلف اجتماعی در شهرهای کردستان و سراسر ایران برای گرامیداشت این روز در جریان است.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، همگام با این تلاش های عمومی از جمله تلاش کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان، حمایت خود را از فراخوان اعتصاب عمومی در روز یکشنبه ۲۵ شهریور فرا می خواند. روز ۲۵ شهریور را به

کارگران و مردم مبارز و آزادیخواه! در آستانه ۲۵ شهریور، دومین سالگرد قتل حکومتی ژینا امینی توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار داریم. شهریور ماه ۱۴۰۱ شعله های آتش خشم و اعتراض توده های مردم در کردستان علیه این جنایت و قتل حکومتی به سرعت سراسر ایران را فرا گرفت. در طول دو سال گذشته، کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان همگام و همدوش با زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب و توده های به جان آمده از رژیم جمهوری اسلامی در سراسر ایران به رغم فراز و فرودهای جنبش انقلابی ژینا در مبارزه علیه جنایات و سرکوبگری های این رژیم از هیچ فداکاری و تلاشی دریغ نکرده اند.

مردم مبارز کردستان در اقدامی سیاسی و هماهنگ و شکوهمند با مردم سراسر ایران از یازدهم اسفند سال گذشته تا کنون سه بار مهر عدم مشروعیت به پیشانی جمهوری اسلامی کوبیدند و نشان دادند که جنبش انقلابی ۱۴۰۱ برای سرنگونی این رژیم و برای پایان دادن به فقر و فلاکت اقتصادی، تبعیض های جنسیتی و ملی و دیگر بی حقوقی های سیاسی و اجتماعی ادامه دارد. با نزدیک شدن به دومین سالروز قتل حکومتی ژینا و آغاز جنبش انقلابی سراسری، تلاش

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست
۲۲ شهریور ۱۴۰۳ برابر با ۱۲ سپتامبر ۲۰۲۴
امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران،

سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت

اطلاعیه کمیتهی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران

به مناسبت دومین سالگرد جنبش انقلابی "زن، زندگی، آزادی"!

در دومین سالگرد این جنبش، ایرانیان آزادیخواه و مبارز خارج کشور همراه و هم صدا با زندانیان سیاسی، خانواده های دادخواه، کارگران و سایر توده های معترض آکسیون ها و برنامه های مبارزاتی و حمایتی سازمان داده اند. کمیتهی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران با اعلام پشتیبانی از این حرکت ها، از تمامی نیروهای مبارز، چپ و کمونیست دعوت می کند فعالانه در این برنامه ها شرکت نموده و رژیم آدمکش و جنایتکار جمهوری اسلامی را بیش از پیش در مقابل دیدگان مردم جهان رسوا نمایند.

پرتوان باد جنبش انقلابی مردم ایران!
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کمیتهی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست
ایران

سپتامبر ۲۰۲۴

خاموش کند. اما هیچ کدام از این تلاش ها نتوانسته اند ارادهی مستحکم مردم را در راه سرنگونی این رژیم تضعیف کنند.

دومین سالگرد جنبش "زن، زندگی، آزادی"، که با کشته شدن مهسا امینی و متعاقب آن بیش از ۶۵۰ نفر از معترضین این جنبش رقم خورده است، مصادف است با سی و ششمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در تابستان خونین ۶۷ جمهوری اسلامی با ارتکاب آن جنایت هولناک و کشتار هزاران اسیر دربند در پی آن بود تا مبارزه، مقاومت و تلاش آنان را درهم بشکند و جنبش آزادی خواهانه را نابود سازد. اگرچه آن کشتار وحشیانه زخم های بس عمیقی بر پیکر جنبش آزادی و برابری به جای گذاشت، اما هرگز نتوانست خللی در ارادهی راسخ و مصمم مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم وارد نماید. مبارزات کنونی جاری در کشور ما شاهد و گواه زندهی تداوم و تشدید جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است.

جنبش انقلابی مردم ایران علیه رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در حالی به دومین سالگرد قتل دولتی ژینا (مهسا) امینی نزدیک می شود که امواج اعتصابات کارگری در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، اعتراضات شکوهمند هزاران پرستار در سرتاسر کشور، تداوم اعتراضات معملین، بازنشستگان و مقاومت پرشور زندانیان سیاسی، زنان و سایر توده های مردم به جان آمده و معترض در برابر سیاست های ارتجاعی جمهوری اسلامی ادامه دارد.

در دو سال گذشته، رژیم جنایتکار اسلامی ایران با تشدید سرکوب، اخراج، زندان و اعدام معترضین، سعی کرده است که از گسترش و تقویت این جنبش انقلابی جلوگیری کند. رژیم می که بر پایه ی استثمار، فقر، فلاکت، تبعیض و فساد ساختاری بنا شده است، با شکنجه، سرکوب و ایجاد محدودیت های فزاینده علیه کارگران، روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان و سایر توده های معترض، در تلاش است تا صدای مردم آزادیخواه را

اطلاعیه کمیته ی مرکزی حزب کمونیست ایران

در ارتباط با مرگ دلخراش کارگران معدن زغال سنگ معدنجوی طبس



بنا به گزارش ها، ساعت ۹ شامگاه روز شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۳ برابر با ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۴ در اثر انفجار در معدن زغال سنگ معدنجوی طبس در استان خراسان جنوبی، بیش از ۵۰ تن از کارگران جان خود را از دست دادند و بیش از ۲۰ تن نیز مصدوم شده اند. کارگران این معدن در سه بلوک ای و بی و سی مشغول به کار بوده اند که این انفجار در بلوک سی روی داده است. علت انفجار در این معدن نشن گاز متان بوده که آتش سوزی و تخریب دیواره های معدن را در پی داشته، اما علت تلفات جانی زیاد، "خفگی" ناشی از تراکم این گاز ذکر شده است. هنوز از سرنوشت تعدادی از کارگران که در اعماق این معدن گرفتار آمده خبری در دست نیست. امدادگران باید خود را به عمق ۷۰۰ متری معدن برسانند تا بتوانند اجساد این کارگران را خارج کنند. تاکنون انتشار تصاویر صحنه های تکان دهنده بیرون آوردن جنازه کارگران جانباخته از معدن در شبکه های اجتماعی، ابراز همدردی و همبستگی گسترده مردم با معدنچیان و خانواده های آن ها و خشم و انزجار آنان از رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران بخش خصوصی از بی توجهی به ایمنی محیط کار معدن کاران را برانگیخته است.

انفجار معدن زغال سنگ معدنجوی طبس که در مالکیت یک شرکت خصوصی است و در منطقه

معدنی پرورده ۳ طبس فعالیت می کند یکی از مرگبارترین حوادث در معادن زغال سنگ ایران در چند دهه اخیر است. این انفجار و این مرگ های دلخراش که خانواده های معدن کاران و کل طبقه کارگر و مردم ایران را در غم و اندوه فرو برده در حالی روی داده است که بنا به گزارش سازمان پزشکی قانونی در ایران در سال ۱۴۰۲ حداقل دو هزار و ۱۱۵ کارگر بر اثر حوادث ناشی از ناامنی محیط کار جان خود را از دست داده اند. این در حالی است که خبر بسیاری از این مرگ های خاموش حتی در ستون حوادث روزنامه ها هم درج نمی گردد. بخش زیادی از حوادث کاری مرگبار در کارگاه های خارج از شمول قانون کار، رخ می دهند که کارگران آن نه قرارداد کاری دارند و نه از حق بیمه برخوردار هستند.

حقیقت این است که انفجار معدن ها، حوادث و مخاطرات ناشی از عدم ایمنی شرایط کار، مرگ ظاهرا تصادفی و بی شمار، از کارافتادگی ها، نقض عضو، انواع بیماری های مهلک ناشی از شرایط غیر بهداشتی محیط کار تنها جلوه هایی از رفتاری است که سرمایه داران بخش خصوصی در دست جمهوری اسلامی با ارزان سازی نیروی کار در حق طبقه کارگر انجام می دهند. روشن است که برای پایان دادن به این مصائب در ایران و پایان دادن به فقر و فلاکتی که طبقه کارگر ایران را در چنگ خود می فشارد باید نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را از بیخ و بن برانداخت. برای آنکه کارگران قربانی کار و تولید سرمایه داری نباشند باید به حاکمیت سرمایه داری بر پروسه کار و تولید اجتماعی پایان داد. باید حکومت کارگران و مسائل تولید را از دست سرمایه داران خارج کند، تا پروسه تولید اجتماعی به پروسه ای انسانی و آگاهانه در خدمت رفاه، پرورش استعدادها و ساختمان زندگی انسان های آزاد و برابر قرار گیرد.

اما تا زمانی که رژیم سرمایه داری اسلامی به

حاکمیت ننگین و جنایتبار خود ادامه می دهد، تا وقتی که منطق سرمایه داری حکم می کند و کارگران از شرایط و حقوق انسانی خود محروم هستند، تنها راه مقابله با وضعیت موجود در همه جا همان اتحاد و نیروی طبقاتی متشکل و آگاه طبقه کارگری است که می تواند این نظام ضد بشری را به گور سپارد. در زمینه های رسیدگی، شناسایی و معرفی عاملین این جنایت مشخص، تضمین ایمنی محیط کار و پرداخت خسارت به کارگران و خانواده هایی که در اثر این "سانحه" لطمه دیده اند، نیز باید نیروی متحد و متشکل کارگران به حرکت در آید و مطالبات عاجل و فوری طبقه کارگر را به کارفرمایان و دولت جهادی پزشکیان تحمیل کند.

حزب کمونیست ایران ضمن ابراز انزجار از بی توجهی کارفرمای این شرکت خصوصی که این معدن را در مالکیت دارد و رژیم جمهوری اسلامی که عامل اصلی این فجایع انسانی و مرگ کارگران معدن زغال سنگ معدنجوی طبس هستند، به خانواده و بستگان این عزیزان و به همکارانشان در این معدن و به همه کارگران ایران صمیمانه تسلیت می گوید. تردیدی نیست که مردم شریف و زحمتکش این منطقه مراسم خاکسپاری و یادبود کارگران جانباخته و همدردی با بستگان این عزیزان را به کانون اتحاد و همبستگی و ابراز انزجار علیه وضع موجود تبدیل می کنند و بخش های دیگر طبقه کارگر ایران نیز به هر شکلی که مناسب بدانند همبستگی خود را با خانواده این عزیزان اعلام کرده و اعتراض خود را علیه این جنایات در محیط های کار ابراز می دارند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۱ مهر ۱۴۰۳

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴



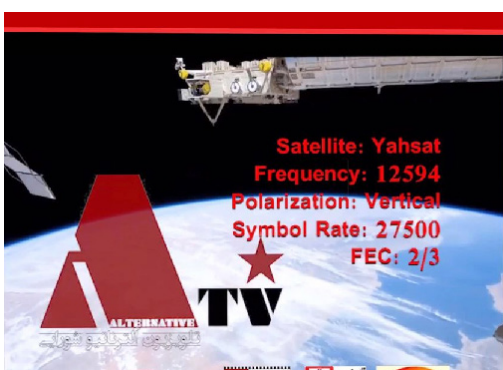
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له برنامه های خود را به همراه تلویزیون های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.

ساعت پخش برنامه های تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه له به وقت تهران:

- آغاز برنامه ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازده و نیم قبل از ظهر

"شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"

نیز روی همین کانال برنامه های مشترک خود را تحت عنوان تلویزیون "آلترناتیو شورایی" در روزهای سه شنبه و یکشنبه هر هفته برنامه های خود را پخش می کند.



برگزاری مراسم بزرگداشت سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران در کلن آلمان

دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۴۰۳

حضار به پایان رسید و شبی به یادماندنی از اتحاد و همبستگی برای همه حاضرین به ارمغان آورد.

مراسم بزرگداشت سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران در کلن، نه تنها فرصتی برای مرور تاریخ و دستاوردهای گذشته بود، بلکه تأکیدی بر عزم و اراده این حزب برای ادامه مبارزه در راه آزادی، برابری و تحقق آرمان‌های سوسیالیستی در آینده بود. این مراسم بار دیگر نشان داد که نیروهای چپ و انقلابی همچنان در صحنه مبارزه حضور دارند و با وحدت و همبستگی می‌توانند به پیشبرد اهداف خود ادامه دهند.



راهبردهای آینده حزب بود و بر لزوم تقویت اتحاد و همبستگی میان نیروهای چپ و کمونیست تأکید کرد.

سخنرانی رفیق صلاح با استقبال گرم حضار روبرو شد،

در ادامه مراسم، پیام‌های تبریک و سخنرانی‌های نمایندگان احزاب و سازمان‌های مختلف، بخشی از برنامه را تشکیل داد. نمایندگان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست کردستان، سازمان فدائیان اقلیت و حزب کمونیست کارگری ایران پیام‌های خود را قرائت کردند و همچنین نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران و پارتی ژبانی نازادی کوردستان در مراسم شرکت داشتند و پیام خود را ارائه دادند از طرف اتحاد سوسیالیستی کارگری، کمیته همبستگی با مبارزات کارگران و زحمتکشان در ایران - فرانکفورت و حبیب نصوحی فعال سیاسی پیام تبریک فرستاده بودند. این پیام‌ها حاوی نکات مهمی در مورد لزوم تقویت همکاری‌ها و همبستگی میان نیروهای مترقی و انقلابی بود.

بخش دیگر مراسم به اجرای شعرخوانی توسط رفقا، شیوا صبحانی، آرزو بیکس، و امید شریعتی اختصاص داشت. این شعرها که با مضامین انقلابی و حماسی همراه بودند، با استقبال و تشویق گرم شرکت‌کنندگان روبرو شد و جوّی پر از شور و هیجان ایجاد کرد.

پس از پایان برنامه‌های رسمی، مهمانان به صرف شام و پذیرایی دعوت شدند. فضای دوستانه و صمیمی حاکم بر این بخش از مراسم، فرصتی را فراهم آورد تا اعضا و مهمانان به تبادل نظر و گفتگو در مورد مسائل مختلف بپردازند. این بخش از مراسم با پخش سرودهای انقلابی و رقص و شادی

مراسم بزرگداشت سالروز تأسیس حزب کمونیست ایران که در تاریخ ۳۱ آگوست ۲۰۲۴ در شهر کلن آلمان برگزار شد، به عنوان یکی از رویدادهای مهم تاریخی، بار دیگر نشان داد که مبارزات و تلاش‌های حزب کمونیست ایران همچنان با قدرت ادامه دارد و این حزب همچنان به عنوان یک نیروی تاثیرگذار در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی است. این مراسم که از ساعت ۵ عصر آغاز و تا ساعت ۱۰ شب ادامه داشت، با حضور پرشور اعضا، هواداران، دوستان و نمایندگان احزاب و سازمان‌های مختلف برگزار شد. اجرای مراسم توسط رفقا روژین امینی و حامد اسکندری شروع شد.

در ابتدای مراسم، رفیق روژین امینی با ارائه گزارشی از تاریخچه تأسیس و فعالیت‌های حزب کمونیست ایران، به شرحی از مبارزات این حزب از زمان تأسیس تا به امروز پرداخت. او بر نقش حزب در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران تأکید کرد و به چالش‌ها و دستاوردهای آن در طول دهه‌ها مبارزه اشاره کرد.

رفیق حامد اسکندری برنامه‌های مختلف مراسم را اعلام کرد. یکی از بخش‌های برجسته مراسم، اجرای سرود بین‌المللی کارگران "اینترناسیونال" بود که حضار به نشانه احترام به مبارزات کارگران و زحمتکشان و یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم، یک دقیقه سکوت کردند. این بخش از مراسم، نه تنها یادآور تاریخچه پرفراز و نشیب مبارزات کارگری بود، بلکه بر اهمیت همبستگی جهانی کارگران در مواجهه با چالش‌های مشترک تأکید داشت.

در ادامه مراسم، رفیق صلاح مازوجی، دبیر هیئت اجرایی حزب کمونیست ایران، سخنرانی خود را ایراد کرد. وی در سخنان خود به تشریح وضعیت کنونی جنبش‌های کارگری و نقش حزب در این مبارزات پرداخت. رفیق صلاح ضمن تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و جهان، بر لزوم ادامه مبارزه برای دستیابی به آزادی و سوسیالیسم تأکید کرد. او همچنین به چالش‌هایی که حزب کمونیست ایران در سال‌های اخیر با آن‌ها مواجه بوده است اشاره کرد و راهبردهای حزب برای مقابله با این چالش‌ها را تبیین نمود.

سخنان رفیق صلاح حاوی پیام‌های روشنی در مورد

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران - کمیته آلمان

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود!

زیر نظر هیئت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

ha@cpiran.org

* جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می‌کند.

* استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.

* مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.

* جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

* مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴ با سایز ۱۲ است.

گزارش برگزاری مراسم سالروز تاسیس حزب کمونیست ایران - استکهلم



روز شنبه ۲۱-۲۰۹-۲۰۲۴ مراسم سالروز تاسیس حزب کمونیست ایران در شهر استکهلم برگزار گردید.

در ابتدای مراسم مجری برنامه رفیق لقمان گله داری ضمن خوش آمدگویی به مهمانان، رئوس برنامه را اعلام نمود. مراسم با سرود انترناسیونال، سرود جهانی طبقه کارگر و اعلام یک دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی سوسیالیسم آغاز گردید.

سپس رفیق عباس سماکار، شاعر کمونیست و انقلابی ضمن تبریک سالگرد حزب چند قطعه شعر را به این مناسبت تقدیم کرد.

بدنبال رفیق جلال محمدنژاد، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به ایراد سخنرانی پرداختند. ایشان ضمن ارج نهادن و گرامیداشت یاد عزیز جانباختگان صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران و راه آزادی و سوسیالیسم، اشاره نمود که سالگرد تاسیس حزب را در بحبوحه دومین سالگرد جنبش انقلابی ژینا برگزار می کنیم در شرایطی که این خیزش انقلابی تأثیرات دگرگون سازی در جامعه و تغییر توازن قوا به نفع مردم معترض داشته است. جنبشی که در آن زنان نقش پیشتازی داشته و در ذهنیت جامعه مردسالار تغییرات عمیق ایجاد کردند. در همین رابطه رفیق جلال به اهمیت اعتصاب عمومی در کردستان که نشانه اتحاد و همبستگی و عزم و اراده مردم معترض در کردستان علیه رژیم

جنایتکار جمهوری اسلامی است، اشاره نمود. سپس رفیق جلال به ضرورت اتحاد و سراسری شدن مبارزات کارگران در بخشهای مختلف تولیدی، بازنشستگان، پرستاران و همه مردم به ستوه آمده از دیکتاتوری و اختناق اشاره نمود. ایشان وجود هزاران رهبر عملی و مبارزین پیشرو و زنان جسوری که نقش چشمگیری در تداوم مبارزات مستمر دارند، را یک سرمایه سیاسی بزرگ در راستای شکل گیری رهبری سراسری انقلاب آتی در ایران دانست. انقلابی که از نظر قطب چپ و سوسیالیست جامعه میبایست یک انقلاب کارگری برای استقرار حاکمیت شورایی و مستقیم کارگران و مردم ستمدیده باشد.

رفیق جلال سخنانش را با تأکید بر گسترش و تعمیق همکاریهای جریانات چپ و کمونیست برای بازتاب و تأثیرگذاری بر روند تحولات جاری و پیشرفت مبارزات کارگری و آزادیخواهانه در داخل کشور به اتمام رساند.

بعد از این سخنرانی، رفیق هژیر نینا شاعر انقلابی و کمونیست چند قطعه شعر را ارائه نمود. بدنبال رفیق سیاوش دانشور عضو رهبری حزب کمونیست کارگری- حکمتیست سخنانی را به این مناسبت و بویژه در رابطه با تأثیرات تشکیل حزب کمونیست ایران در میان زندانیان سیاسی که در مقطع تاسیس حزب در سیاهچالهای رژیم اسیر و دربند رژیم بودند، ایراد نمود. سپس رفیق محمد کمالی از کادرهای برجسته حزب کمونیست ایران و کومه له چند قطعه شعر به زبانهای کردی و فارسی دکلمه نمودند. در پایان مراسم ضمن پذیرایی از مهمانان، مراسم در فضایی پر شور و صمیمی به پایان رسید.

کمیته برگزاری مراسم سالروز حزب ضمن ارج نهادن به تمامی رفقای حزبی و مهمانان برنامه که در مراسم شرکت داشتند، یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم همچنین همه رفقای جانباخته صفوف حزب کمونیست ایران و کومه له را گرامی میدارد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست

ایران- استکهلم

۲۲ سپتامبر ۲۰۲۴

اطلاعیه نمایندگی کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به مناسبت درگذشت مادر گلان عزیزان



با اندوه فراوان مادر گلان عزیزان (دایه گلان)، مادر رفیق جانباخته عطا خیاط روز سه شنبه ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴ برابر با ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ به دلیل بیماری در سن ۷۵ سالگی در روستای ترجان از توابع شهر سقز درگذشت. دایه گلان انسانی رنج دیده و زحمتکش، مهربان و فداکار بود، به همین خاطر محبوب و مورد احترام مردم روستا و دهات منطقه بود. دایه گلان و همسرشان آقای کریم خیاط که چند سال قبل زندگی را بدرود گفت، بارها از جانب مزدوران امنیتی جمهوری اسلامی مورد اذیت و آزار قرار گرفتند، چندین بار به اداره ی اطلاعات رژیم فراخوانده شده و مورد بازجویی و شکنجه قرار گرفتند، اما هر بار تفر آنها از رژیم افزون تر می شد و پیوندشان با مبارزه نزدیک تر می گردید.

به دنبال جانباختن فرزندشان رفیق عطا خیاط، پیشمرگ فداکار کومه له و عضو حزب کمونیست ایران که در سال ۲۰۱۶ در جریان سفر به اروپا در یک حادثه دریایی بین ترکیه و یونان غرق شدند، زندگی دایه گلان دگرگون شد و غم و اندوه فقدان فرزند عزیزش که جنازه اش نیز هرگز یافت نشد، هیچگاه او را ترک نگفت. مادر گلان جانباختن رفیق عطا را باور نمی کرد و تا آخرین لحظات زندگی اش در انتظار دیدار و در آغوش گرفتن ایشان بود. یاد دایه گلان مهربان، دلسوز و فداکار گرامی باد.

نمایندگی کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) در خارج کشور درگذشت این مادر مهربان، فداکار و دوست داشتنی را به همگی افراد خانواده و بستگان ایشان تسلیت گفته و خود را در غم و اندوه مرگ ایشان شریک می داند. یادش گرامی باد.

نمایندگی کومه له در خارج کشور

۲۰ شهریور ۱۴۰۳

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست :

بازهم انفجار در معدن زغال سنگ و قتل کارگران

از کارگران در میان سالی و یا آغاز دوران بازنشستگی در اثر فرسودگی و مرگ زودرس ناشی از کار، جانشان را از دست می‌دهند. در سنت جنبش کارگری و سوسیالیستی این نوع از کشته شدن کارگران تنها یک مرگ ساده دلخراش نیست بلکه قتل اجتماعی کارگران به واسطه کارفرماها، دولت و مناسبات سرمایه داری است.

شورای همکاری نیروی های چپ و کمونیست ضمن هم‌دردی با خانواده‌های کارگران جانباخته شرکت معدنچو و آرزوی بهبودی آسیب دیدگان، خواهان پیگیری این حادثه توسط فعالین و نهادهای شاخه شده مستقل کارگری، وکلای مترقی و مردمی برای محاکمه مسببین این رویداد دردناک می باشد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی-زنده باد سوسیالیسم
بیست و دوم سپتامبر ۲۰۲۴ / یکم مهرماه
۱۴۰۳

امضاها: اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری-حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



در صورت تخطی کارفرماها با آنها برخورد می شود". دولت و سرمایه‌داران نمی‌گویند که چرا وسایل بهداشت و ایمنی و امداد رسانی برای کارگران و بویژه کارگران معدن در محیط کار وجود نداشته است در حالی که این گونه از رخدادهای مدام تکرار می‌شود. تنها در سه ماه نخست امسال هشت حادثه مرگبار مشابه در محیط کار به صورت رسمی ثبت شده است که سه مورد آن مربوط به معدن بوده است. همه ساله انبوهی از کارگران در رخدادهای ناشی از کار کشته و زخمی میشوند و جایی هم ثبت نمی‌شود و مرجعی هم نیست که پاسخگویی شرایط زندگی این کارگران و خانواده‌هایشان باشد.

در موارد بی‌شمار روشن شده که این گونه از رخدادهای و بویژه در معادن، نتیجه نادیده گرفتن حفاظت و ایمنی در محل کار بوده و مقصر اصلی سرمایه‌داران و دولت آنها هستند. سرمایه‌داران برای سود بیشتر از هزینه‌های ایمنی و حفاظت از کارگران می‌کاهند و دولت نیز با ترفندهای مختلف بر آن چشم می‌پوشد و با سرکوب نهادهای مستقل و خود سازمانده کارگری مانع از کنترل مستقیم شرایط و محیط کار توسط کارگران می‌شود. "حوادث ناشی از کار" پدیده رایج در مناسبات سرمایه‌داری است. سرمایه‌داران برای سود بیشتر شیره جان کارگران را تا آخر می‌کشند، موجب مرگ آنها در محل کار می‌شوند و دست آخر نیز انبوهی



شنبه شب ۳۱ شهریور ماه به علت انفجار آبی گاز متان در عمق زمین، تونل‌های معدن زغال سنگ شرکت معدنچو فروریخت و در پی آن تا کنون ۵۲ کارگر جان باخته و ۱۷ نفر دیگر زخمی شده‌اند. شرکت معدنچو یک شرکت خصوصی در طبس واقع در استان خراسان شمالی است. خبرگزاری‌های دولتی گفته‌اند که در زمان وقوع ریزش معدن ۶۹ کارگر در بلوک‌های مختلف آن مشغول کار بودند. تصاویر دردناک منتشر شده، انبوهی از جسد کارگران را نشان می‌دهند که در واگن حمل سنگ معدن تلبار شده‌اند و کارگران آسیب دیده این انفجار به دور آنها حلقه زده و در سوگ همکارانشان اشک می‌ریزند.

مسئولین و نهادهای دولتی با انتشار ورق‌پاره‌هایی برای کارگران اشک تمساح می‌ریزند و با ژست‌های توخالی مدعی شده‌اند که: "در حال امداد رسانی هستند و



شماره ۴۵۶ "پیشرو"

نشریه کومه له

(سازمان کردستان حزب کمونیست ایران)

به زبان کردی منتشر شد!

